

علم أصول الفقه

٢٠

اوامر ٤-١-٩٥

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ

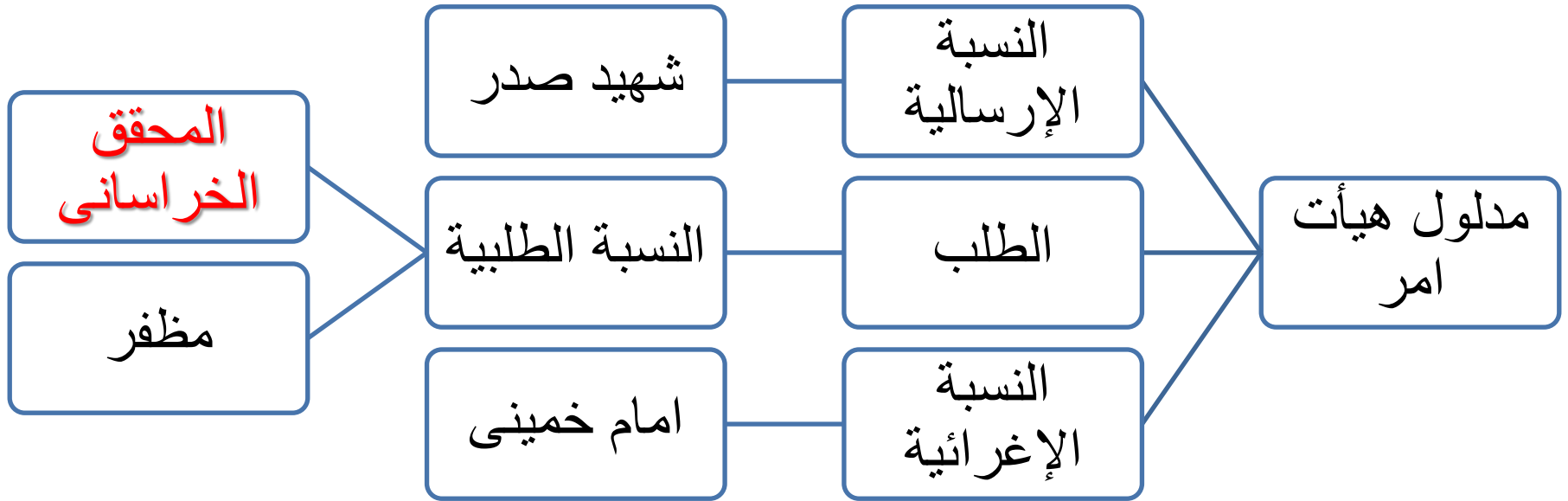


ماده

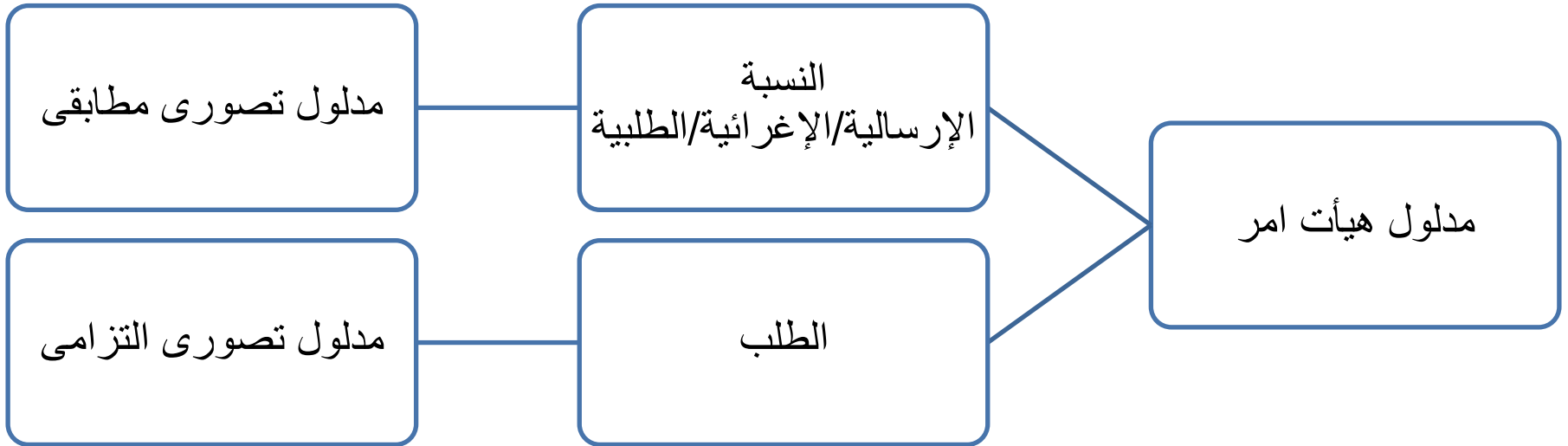
هيأت

امر

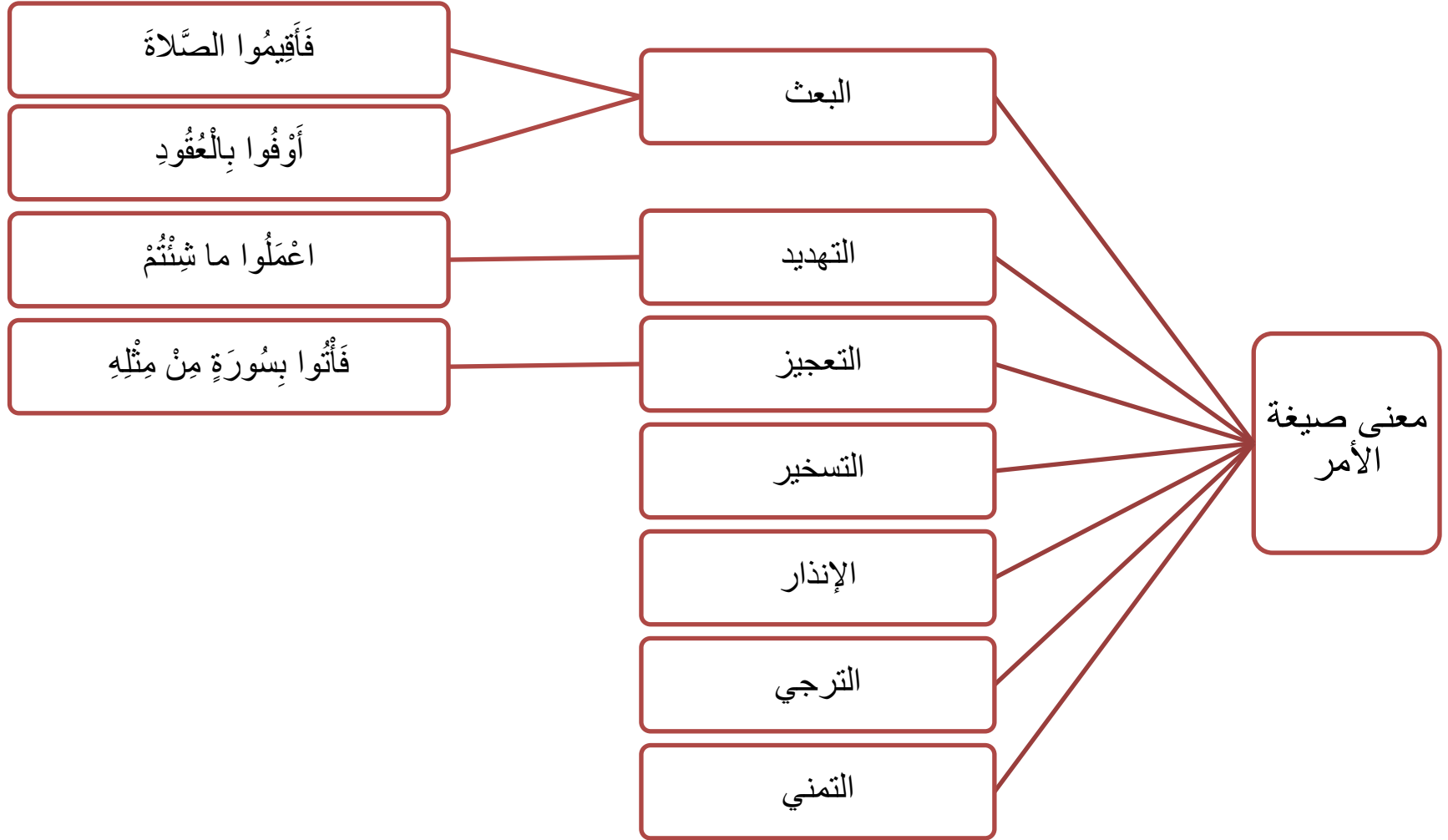
مدلول هيأت امر



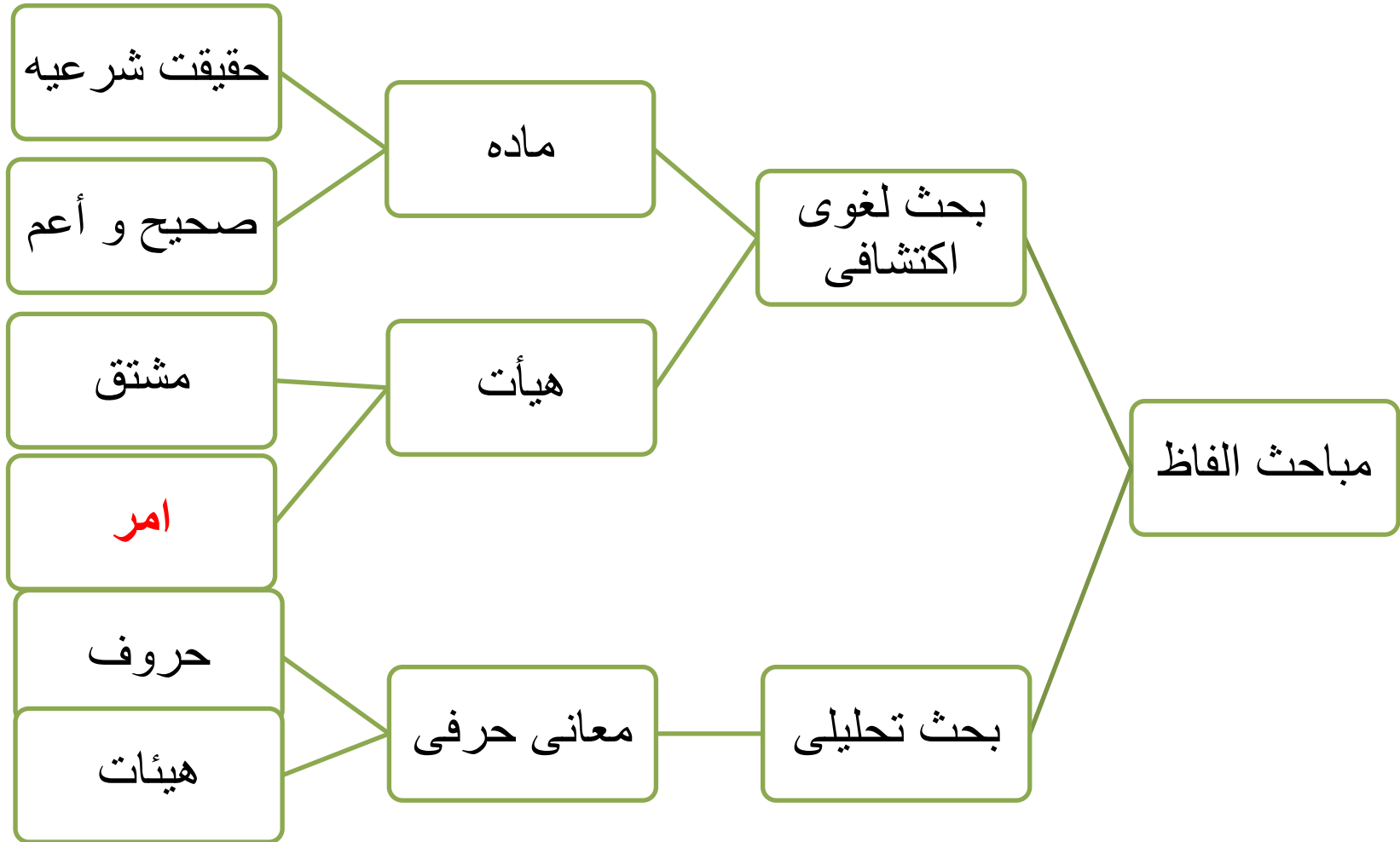
مدلول هيأت امر



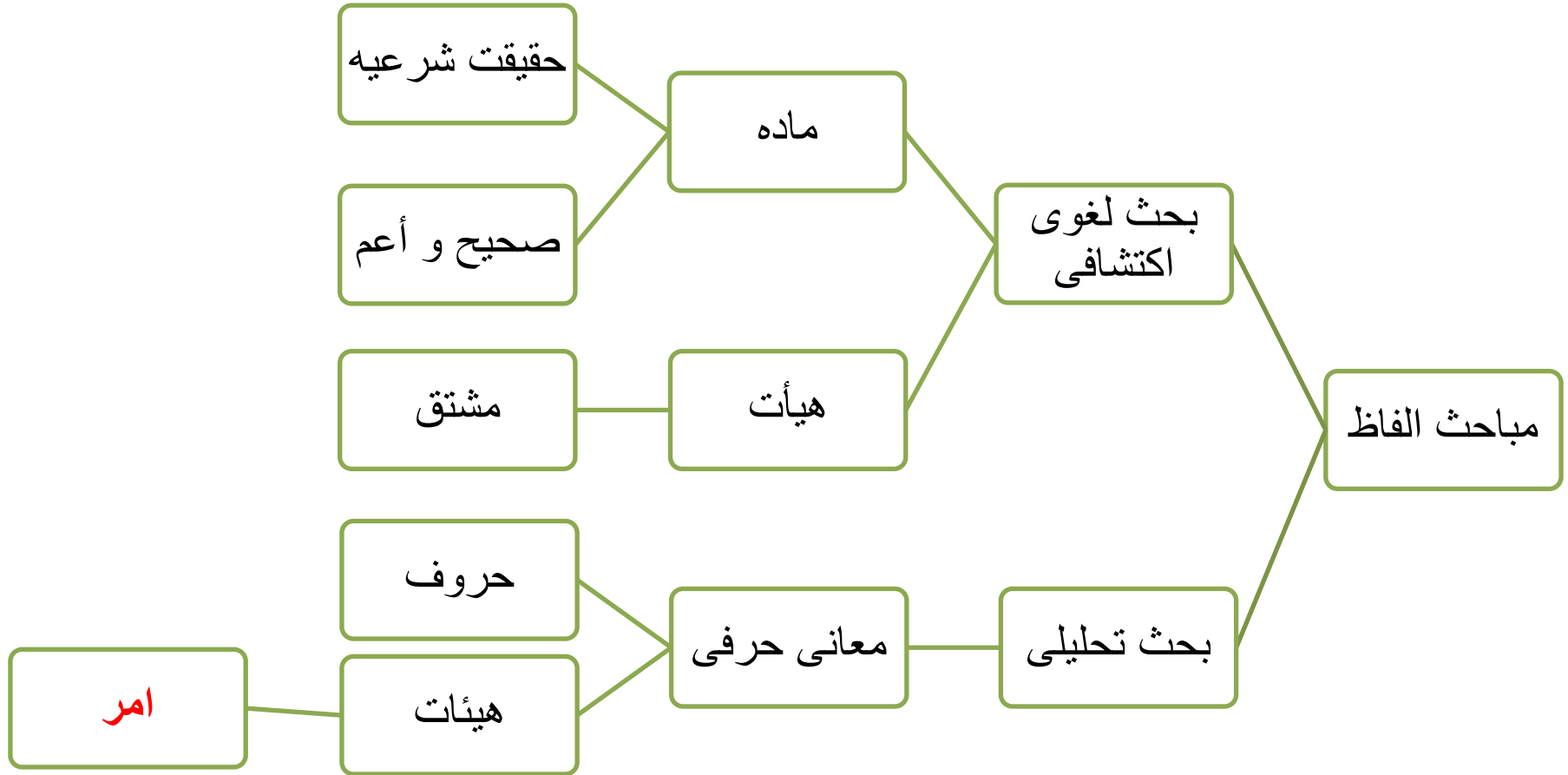
استعمال هيأت امر در غير طلب



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



نظریه
مشهور

وضع صیغه امر برای
وجوب

مرحوم
نائینی

حکم عقل به دلالت امر
بر وجوب

حضرت امام

حکم عقلا به دلالت امر
بر وجوب

آقا ضیاء
عراقی

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاق است

منشأ ظهور امر
در وجوب

منشأ ظهور امر در
وجوب

وضع صيغة امر برای
وجوب

حکم عقل به دلالت امر بر
وجوب

حکم عقلا به دلالت امر بر
وجوب

ظهور امر در وجوب، ظهور
اطلاقی است

نظریه
مشهور

مرحوم نائینی

حضرت امام

آقا ضیاء
عراقی

استعمال امر در
غیر وجوب
مجازی است.

منشأ ظهور امر در
وجوب

وضع صیغه امر برای
وجوب

حکم عقل به دلالت امر بر
وجوب

حکم عقلا به دلالت امر بر
وجوب

ظهور امر در وجوب، ظهور
اطلاقی است

نظریه
مشهور

مرحوم نائینی

حضرت امام

آقا ضیاء
عراقی

استعمال امر در
غیر وجوب
مجازی است.

حکم عقل غیر از
حکم عقلا است.

نظریه
مشهور

وضع صیغه امر برای
وجوب

مرحوم
نائینی

~~حکم عقل به دلالت امر
بر وجوب~~

حضرت امام

~~حکم عقلا به دلالت امر
بر وجوب~~

آقا ضیاء
عراقی

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاق است

منشأ ظهور امر
در وجوب

نظریه
مشهور

وضع صیغه امر برای
وجوب

آقا ضیاء
عراقی

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاق است

منشأ ظهور امر
در وجوب

ظهور امر در وجوب

- ۳. نظریة مرحوم آقاضیاء
- مشکل اصلی تصویر اطلاق است. ما باید اطلاق را طوری تصویر کنیم که اگر امر وجود داشت و ترخیصی نبود، با اینکه امر برای وجوب وضع نشده است، وجوب را کشف کنیم.
- این مشکل بر می‌گردد به اینکه ما وجوب و استحباب را چگونه تحلیل کنیم.

وضع

لزوم

اطلاق

منشأ ظهور

نظريه
مشهور

وضع صيغه امر برای
وجوب

آقا ضياء
عراقي

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاقى است

منشأ ظهور امر
در وجوب

تصوير
اطلاق

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاقى است

منشأ ظهور
امر در وجوب

منشأ ظهور
امر در وجوب

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاق است

تصوير
اطلاق

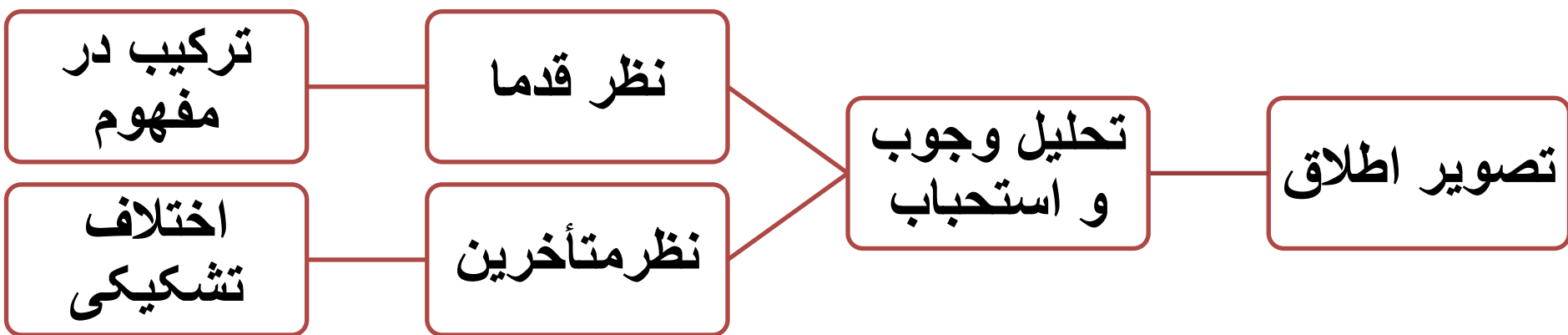
تحليل وجوب و
استحباب

منشأ ظهور
امر در وجوب

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاق است

تصوير
اطلاق

تحليل وجوب و
استحباب



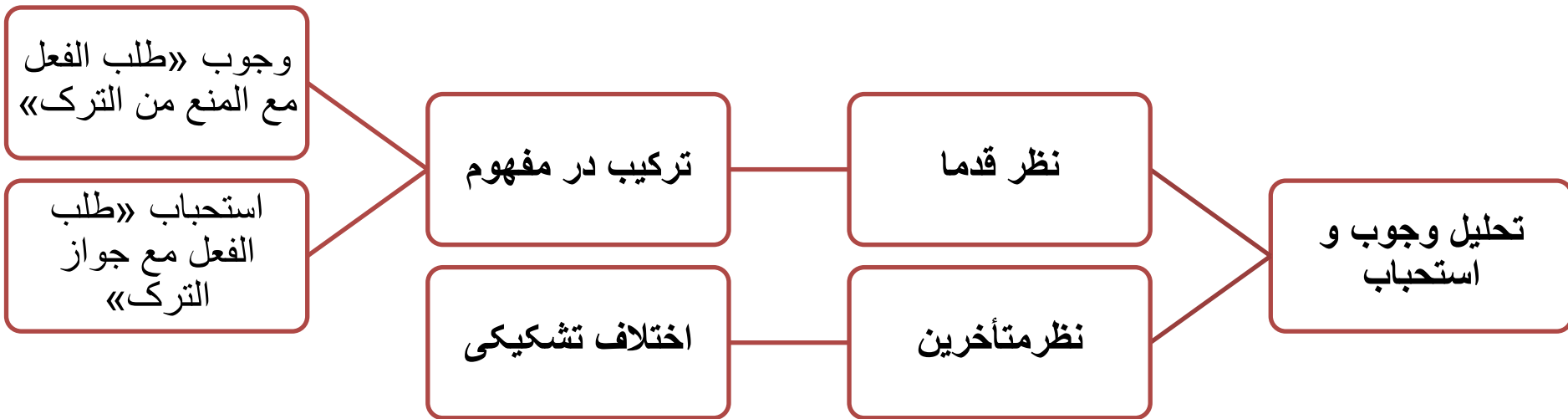
ترکیب در
مفهوم

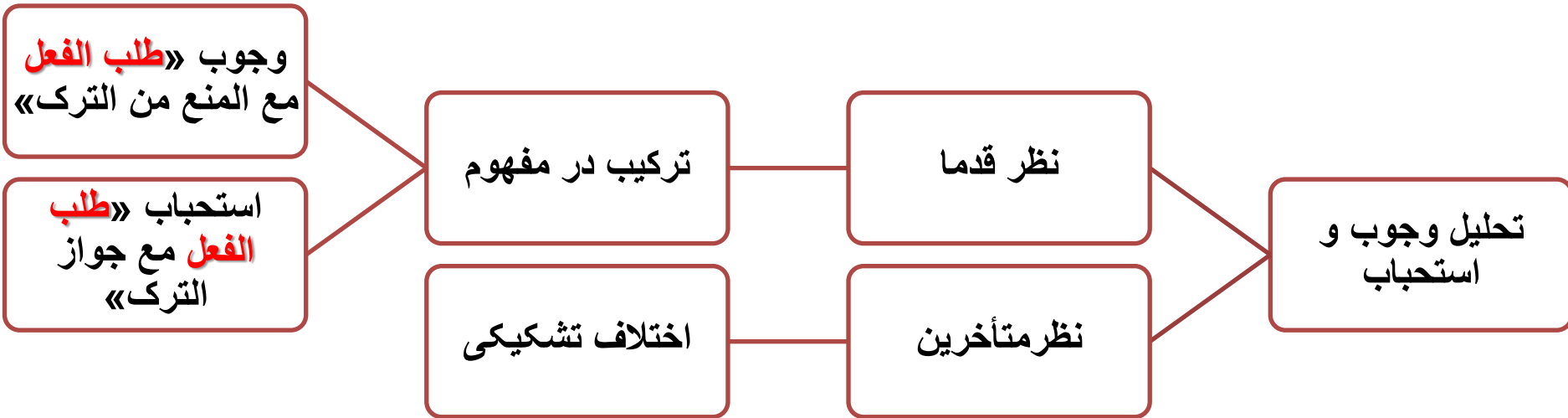
نظر قدما

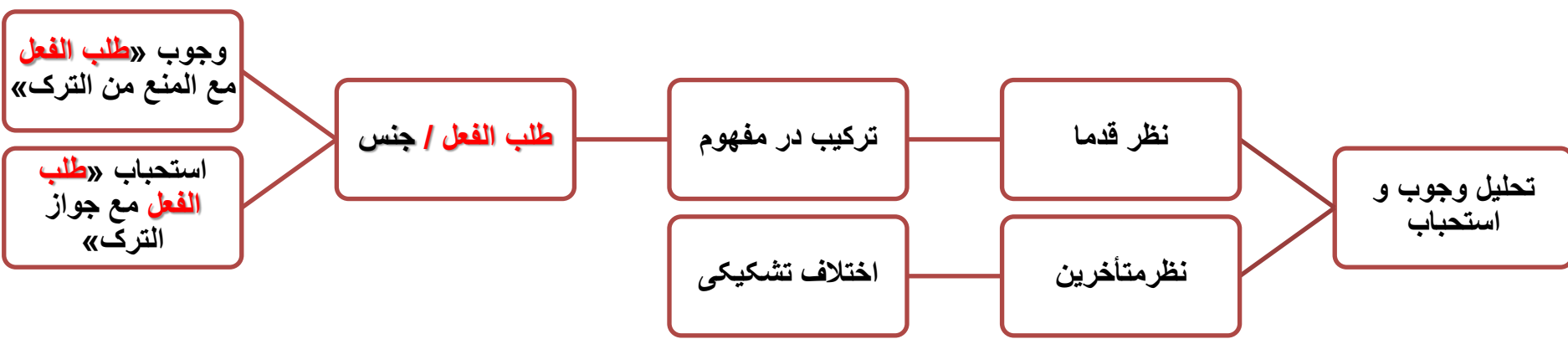
اختلاف
تشکیکی

نظر متأخرین

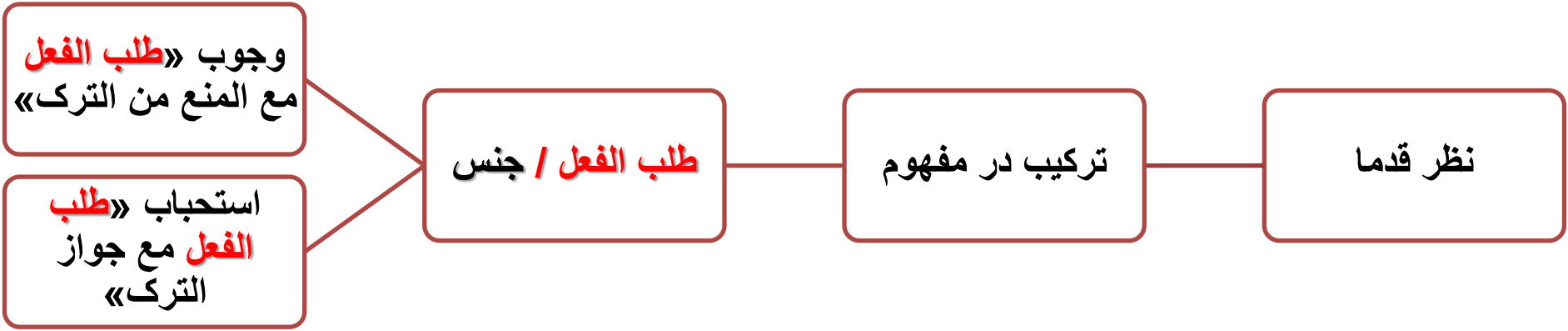
تحلیل وجوب
و استحباب







تحليل وجوب و استحباب



تحليل وجوب و استحباب

نظر قدما

نظر متأخرين

ترکیب در مفهوم

اختلاف تشکیکی

طلب الفعل / جنس

وجوب «طلب الفعل»
مع المنع من الترك»

استحباب «طلب
الفعل» مع جواز
الترك»

تحليل وجوب و استحباب

نظر قدما

نظر متأخرين

تركيب در مفهوم

اختلاف تشكيكي

طلب الفعل / جنس

وجوب «طلب الفعل»
مع المنع من الترك»

استحباب «طلب
الفعل» مع جواز
الترك»

موضوع له هيات
امر

ظهور امر در وجوب

- قدما وجوب و استحباب را طوری تحلیل می‌کردند که دو مفهوم مرکب می‌شدند.
- می‌گفتند وجوب عبارت است از «طلب الفعل مع المنع من الترك» و استحباب عبارت است از «طلب الفعل مع جواز الترك». در نتیجه وجوب و استحباب یک جزء مشترک دارند که همان «طلب» است و یک جزء مختص دارند که در وجوب «منع از ترک» و در استحباب «جواز ترک» است. حتی این تعبیر در کلمات اصولی‌های قدیم وجود دارد که طلب جنس وجوب و استحباب است و منع از ترک، فصل وجوب و جواز ترک، فصل استحباب است.

ظهور امر در وجوب

- اگر این بیان درست باشد، وجوب و استحباب در واقع به منزلة دو نوع از یک جنس هستند که با هم متباین اند. بر اساس این مبنا اگر امر برای طلب وضع شده باشد، صرفاً بر جنس دلالت می‌کند و برای اینکه یکی از دو نوع فهمیده شود، به فصل نیاز داریم.

ظهور امر در وجوب

- بنابراین اگر به شیئی امر شد و از ترک همان شیء نهی شد، وجوب فهمیده می‌شود. همچنین اگر به شیئی امر شد و ترکش هم جایز شمرده شد، استحباب فهمیده می‌شود. اما اگر به شیئی امر شد و نه از ترکش نهی شد و نه حکم به جواز ترکش داده شد، در اینجا نه استحباب فهمیده می‌شود و نه وجوب. فقط این مقدار فهمیده می‌شود که این عمل مطلوبیت دارد.

ظهور امر در وجوب

- بنابراین طبق مبنای قدا در تحلیل وجوب و استحباب اصلاً نمی‌شود که اطلاق بر وجوب دلالت کند.
- به همین دلیل قدا قائل شدند به اینکه امر برای وجوب وضع شده است؛ یعنی خود امر بر دو مطلب با هم دلالت دارد: طلب الشیء و المنع من الترتک.

ظهور امر در وجوب

- ولی این نظر از حیث تحلیل، درست نیست؛ نه در تحلیل وجوب و استحباب و نه در تحلیل موضوع له امر.
- امر حداکثر بر طلب دلالت می‌کند که آن هم موضوع له امر (مدلول مطابقی) نیست، بلکه مدلول التزامی امر است. اما منع از ترک اصلاً جزء مدلول امر نیست.

تحليل وجوب و استحباب

نظر قدما

ترکیب در مفهوم

طلب الفعل / جنس

وجوب «طلب الفعل» مع المنع من الترك

استحباب «طلب الفعل» مع جواز الترك

نظر متأخرين

اختلاف تشکیکی

وجوب طلب شديد

استحباب طلب ضعيف

ظهور امر در وجوب

- در تحلیل مفهوم استحباب و مفهوم وجوب، متأخرین می گویند استحباب و وجوب در واقع به دو گونه از طلب بر می گردند اما نه آن طوری که قدما می گفتند، بلکه وجوب یعنی طلب شدید؛ طلبی که مرتبه بالاتر است و استحباب یعنی طلب ضعیف. پس تفاوت وجوب و استحباب به شدت و ضعف است.

ظهور امر در وجوب

- وقتی می‌گوییم یک عملی واجب است؛ یعنی مولا به شدت طالب تحقق آن است. لازمه عقلی چنین طلب شدیدی این است که ترکش ممنوع باشد. اگر منع از ترک در موارد وجوب فهمیده می‌شود، لازمه عقلی شدت طلب است که خود شدت طلب خصوصیت وجوب است نه اینکه جزء مفهوم وجوب باشد این لازم در موارد استحباب نیز وجود دارد اما آن قدر شدید نیست که منع از ترک را از آن برداشت کنیم، بلکه به گونه‌ای است که جواز ترک از آن برداشت می‌شود.

ظهور امر در وجوب

- بعضی از اصولی‌ها مثل مرحوم نائینی و مرحوم آقاضیاء در این تشکیک کرده‌اند که خود طلب شدت و ضعف پیدا کند و دارای مراتب باشد.
- به همین دلیل حضرت امام - رضوان الله علیه - در مقدمات این بحث ابتدا توضیح می‌دهند که طلب شدت و ضعف دارد.
- بعضی‌ها گفته‌اند، اگر طلب به معنای تحریک عضلات باشد، شدت و ضعف در آن معنا ندارد؛ چون وقتی برای انجام یک کاری عضلات تحریک می‌شود، دیگر معنا ندارد بگوئیم شدید تحریک شده یا ضعیف تحریک شده است!

ظهور امر در وجوب

- امام - رضوان الله عليه - می فرمایند حتی اگر طلب به معنای تحریک عضلات هم باشد، شدت و ضعف در آن معنا دارد؛ چون تحریک عضلات در بعضی موارد با موارد دیگر بالوجدان فرق می کند.

ظهور امر در وجوب

- برای مثال آنجا که کسی خیلی خواهان تحقق یک چیزی است مثلاً از تشنگی در حال مردن است، با شدت به سمت آب حرکت می‌کند و آن کسی که تشنه است اما شدید تشنه نیست، به کندی و با آرامش به سمت آب حرکت می‌کند.
- در حقیقت ایشان با تطبیق نظریه تشکیک خاصی در بحث طلب تکوینی، خواسته اند بگویند تفاوت دو مرتبه از طلب به خود طلب است نه به امر خارج از طلب. به عبارت دیگر ما به الإمتیاز عین ما به الإشتراک است.

ظهور امر در وجوب

- . أجود التقريرات، ج ١، ص ٩٥؛ فوائد الاصول، ج ١، ص ١٣٥ -
١٣٦؛ بدائع الافكار في الأصول، ص ٢١٢.

ظهور امر در وجوب

- النائيني، محمد حسين، فوائد الاصول (تقرير: محمد علي كاظمي الخراساني)، ج ١، ص ١٣٥ - ١٣٦، جامعة مدرسين حوزه علمية قم، قم، چاپ اول، چاپ ١٣٧٦ هـ. ش.
- مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ١، ص ٢٤٧ - ٢٤٨.

ظهور امر در وجوب

- و بالجملة يكفى لإثبات الوجوب ظهور إطلاقه فى كونه فى مقام حفظ المطلوب و لو بكونه حافظا لمبادئ اختياره من جهة إحدائه الداعى على [الفرار من العقاب] أيضا، بخلاف الاستحبابى [فأنه] لمحض أحداث الداعى على تحصيل الثواب فلا يوجب مثله حفظ مبادئ اختيار العبد للإيجاد بمقدار ما يقتضيه الطلب الوجوبى، و لذا يكون فى مقام حفظ الوجود أنقص، فأطلاق الحافظية يقتضى حمله على ما يكون فى حافظيته أشمل.

ظهور امر در وجوب

- و قد يقرب الإطلاق أيضا بأن مقتضى إطلاق اللفظ في مقام البيان حمل معناه على ما هو أكمل، لما في الأضعف نقص ليس فيه.
- و كلا [التقريبين] للإطلاق و ان كانا خفيين و لكن بعد ارتكاز الذهن باقتضاء الإطلاق ذلك لا ضير في خفاء وجهه، كيف و غالب الارتكازيات مخفية على الخواص فضلا عن [العوام]، و الله العالم.

ظهور امر در وجوب

- تقریر اول مرحوم آقاضیاء از اطلاق
- یکی از تقریراتی که ایشان برای اطلاق دارند، این است که وجوب و استحباب هر دو طلب هستند. وجوب طلب شدید است و استحباب طلب ضعیف. گویا استحباب مخلوطی از طلب و عدم طلب است در حالی که وجوب محض طلب است، فقط خواستن است، هیچ نخواستنی و هیچ عدمی همراهش نیست. وقتی امر صادر می‌شود و هیچ بیان دیگری وجود ندارد، معنایش این است که اینجا صرفاً طلب وجود دارد. این طلب محض عبارت است از وجوب. پس اطلاق امر دلالت بر طلب می‌کند.

ظهور امر در وجوب

- ایشان می خواهد بگوید بخشی که بر طلب دلالت می کند، گفتار یعنی صیغه امر است اما این مطلب را که این طلب مشوب به عدم طلب نیست، از نگفتن استفاده می کنیم. همین که مولا چیزی نگفت، معلوم می شود غیر از طلب هیچ چیزی نبوده است و طلب محض است و معنای طلب محض وجوب است.

ظهور امر در وجوب

- شهید صدر - رضوان الله عليه - با فرض اینکه مقصود ایشان همین باشد، بر این بیان اشکال می‌کند که تفاوت بین وجوب و استحباب به شدت و ضعف طلب یک دقت فلسفی است که عرف متوجه آن نمی‌شود در حالی که اطلاق جزء دلالات لفظی است و در حوزه فهم عرفی شکل می‌گیرد و با این توضیحات فلسفی نمی‌شود اطلاق لفظی درست کرد.

ظهور امر در وجوب

- عراقی، ضیاء الدین، مقالات الأصول، ج ۱، ص ۲۰۸ و ۲۲۲، مجمع الفكر الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ. ق. سخنان مرحوم آقاضیا در مقالات طوری است که همیشه به تفسیر احتیاج دارد و این بیان که عرض شد در واقع تفسیر شهید صدر - رضوان الله علیه - از سخن ایشان است. مقصود مرحوم آقاضیاء همین است. مرحوم نائینی واضح تر بیان کرده است. در خیلی از موارد بین تقریرات آقای خوئی در أجودالتقریرات و فوائد الأصول مرحوم کاظمینی این اختلاف بیان وجود دارد با اینکه مرحوم نائینی خیلی واضح تر از آقاضیاء صحبت می کرده و بحث هایش عرفی تر بوده است.
- بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۲۱.

ظهور امر در وجوب

- تقریر اول شهید صدر از اطلاق
- ایشان دو وجه دیگر برای تقریر اطلاق بیان می‌کند که یک وجهش را مرحوم آقا ضیاء فرموده است. وجه دیگر همین وجه است با کمی تفاوت. ایشان بر این دو وجه هم اشکال می‌کند که از طرح این اشکالات می‌گذریم.
- وجهی را خود ایشان بیان می‌کند و به نظر خودشان بهترین وجه است و معتقد است این وجه هم در ماده امر و هم در هیأت امر قابل تطبیق است.

ظهور امر در وجوب

- می‌فرمایند صیغۀ امر برای نسبت ارسالیه وضع شده است. بنابراین وقتی امر صادر می‌شود، معنایش این است که آمر مأمور را به سوی مأمور به ارسال می‌کند. این ارسال یعنی واداشتن مأمور، به انجام مأمور به.

ظهور امر در وجوب

- در واقع ابواب عدم تحقق مأمور به را می‌بندد تا مأمور وادار به انجام مأمور به گردد؛ چنان که در حوزه تکوین وقتی من می‌خواهیم یک نفر را از اطاق بیرون بیاندازیم، کاری می‌کنیم که نتواند از راه‌های بیرون رفتن استفاده کند و فقط راه بیرون رفتن بر او باز باشد.
- در حوزه تشریح نیز وقتی مولا امر می‌کند: «إِضْرِب» یعنی ابواب عدم ضرب را می‌بندد. این سد ابواب، مقتضای بعث و ارسال است.

ظهور امر در وجوب

- اگر می گفت: «إضرب إن شئت: اگر خواستی بزن» در حقیقت انجام مأمور به را مشروط به خواست مأمور کرده بود و معنایش این بود که بعضی از ابواب عدم را باز گذاشته است.
- پس در مقام اثبات وقتی امر می کند و هیچ بیانی دال بر ترخیص نمی آورد، ظاهرش این است که امرش بر بعث دلالت می کند و اقتضاء بعث هم این است که هیچ راهی را باز نگذاشته است. وقتی همه ابواب عدم بسته باشد، انجام آن کار واجب است.

ظهور امر در وجوب

- . همان، ص ۲۲ - ۲۳.

ظهور امر در وجوب

- توضیح عبارت تقریرات
- «إن صيغة الأمر تدل على الإرسال و الدفع بنحو المعنى الحرفي و لما كان الإرسال و الدفع مساوقاً لسدّ تمام أبواب العدم و التحرك فمقتضى أصالة التطابق بين المدلول التصوري و المدلول التصديقي أن الطلب و الحكم المبرز أيضا سنخ حكم يشتمل على سدّ تمام أبواب العدم و هذا يعني عدم الترخيص في المخالفة».

ظهور امر در وجوب

- ثالثها: أن صيغة الأمر تدلّ على الإرسال و الدفع بنحو المعنى الحرفي، و لما كان الإرسال و الدفع مساوقاً لسدّ تمام أبواب العدم للتحرك و الاندفاع، فمقتضى أصالة التطابق بين المدلول التصوريّ و المدلول التصديقيّ أن الطلب و الحكم المبرز بالصيغة سنخ حكم يشتمل على سدّ تمام أبواب العدم، و هذا يعني عدم الترخيص في المخالفة

ظهور امر در وجوب

- در این عبارت می‌فرماید هیأت امر بر نسبت ارسالیه دلالت می‌کند و ارسال سد تمام ابواب عدم را اقتضا می‌کند و سد ابواب عدم مساوق با وجوب است. این تعبیر موهوم این معنا است که خود امر بر وجوب دلالت می‌کند.
- بنابراین دیگر نیازی به اطلاق نیست؛ چون اطلاق دلالت سکوت است به این صورت که باید یک بخش از مفاد به لفظ بیان شود و بخش دیگری از سکوت مولا استفاده شود. اگر قرار است دلالت بر وجوب به طور کامل از لفظ مولا (صیغه امر) فهمیده شود، معنایش آن است که خود لفظ برای وجوب وضع شده است.

ظهور امر در وجوب

- بنابراین برای دفع این توهم باید این گونه گفت که امر دال بر نسبت ارسالیه است و این نسبت، سد ابواب عدم را اقتضا می‌کند. حال وقتی که این امر مطلق گذاشته شد و مولا این سخن را و نهاد و در کنارش بیان نکرد که بعضی از ابواب عدم باز است از این استفاده می‌کنیم که همچنان تمام ابواب عدم بسته است و معنای بسته بودن تمام ابواب عدم این است که این عمل واجب است. بنابراین وجوب را از اطلاق امر استفاده می‌کنیم نه اینکه خود امر برای وجوب وضع شده باشد.

ظهور امر در وجوب

- تقریری که از کلام شهید صدر - رضوان الله علیه - گفتیم، اولاً با عبارت خود ایشان در حلقات هم سازگار نیست. دیگر آنجا مقرر ندارد که اشتباه را به عهده مقرر بیاندازیم. بنابراین ظاهراً آنچه که در تقریرات آمده است، همان مقصود ایشان بوده است نه آن تقریری که ما گفتیم. ثانیاً اگر مراد ایشان همان باشد که در تقریرات آمده است، باید بگوئیم درست نیست و می توانیم تقریر خودمان از کلام ایشان یک بیان اصلاح شده و به عنوان یک نظریه پنجم برای تقریر اطلاق بیان کنیم؛ چنان که ایشان بیان آقا ضیاء را اصلاح کرد و به عنوان نظریه ای مجزا مطرح کرد.

ظهور امر در وجوب

- تبیین سد ابواب عدم
- کل احکام شرعی برای جهت دادن به مکلفین جعل شده‌اند. انجام بده، انجام نده، بهتر است انجام بدهی، بهتر است انجام ندهی، می‌توانی انجام دهی و می‌توانی ترک کنی، همه جهت دادن جهت‌های تشریحی هستند. اصلاً قانونگذاری معنایش همین است.
- ما با قانونگذاری می‌خواهیم افراد جامعه را وادار کنیم تا یک سری کارها را انجام بدهند و یک سری کارها را انجام ندهند یا به تعبیری یک سری مسیرها را بروند و به یک سری مسیرها وارد نشوند. مقتضای بعث همین است که ما راه‌هایی را که فرد می‌تواند از آنها برود تا این کار را انجام ندهد، ببندیم. مقتضای بعث این است نه معنای بعث! اگر هیچ‌یک از راه‌های عدم مأمور به را نبندد، اصلاً بعثی در کار نیست؛ چنان‌که در مباح بالمعنی الأخص همین گونه است.

ظهور امر در وجوب

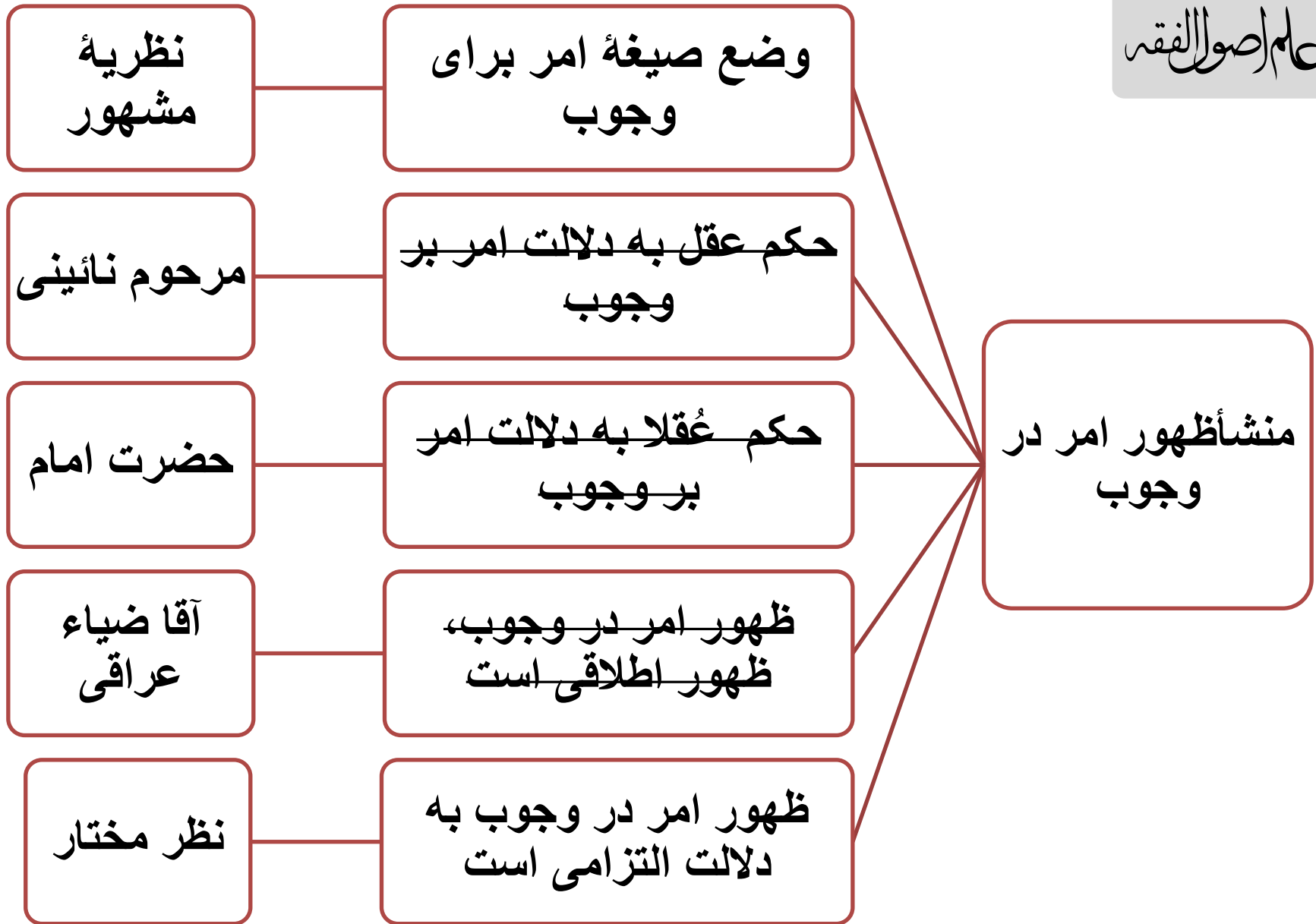
- بنابراین در مستحبات هم بعث وجود دارد با این ویژگی که بعضی از راه‌های عدم باز است. صیغه امر دلالت می‌کند بر اصل بعث. نه بر خصوص بعث وجوبی و نه خصوص بعث استحبابی. بعث هم اصل بسته شدن ابواب عدم را اقتضا می‌کند، نه همه ابواب و نه بعضی را. اطلاق امر یعنی همین که مولا نگفت بعضی از ابواب عدم باز است، اقتضا می‌کند که پس همه ابواب عدم بسته شده است.
- . الصدر، السيد محمد باقر، دروس فی علم الأصول (طبع انتشارات اسلامی)، ج ۱، ص ۶۲ - ۶۳، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۸ هـ. ق.

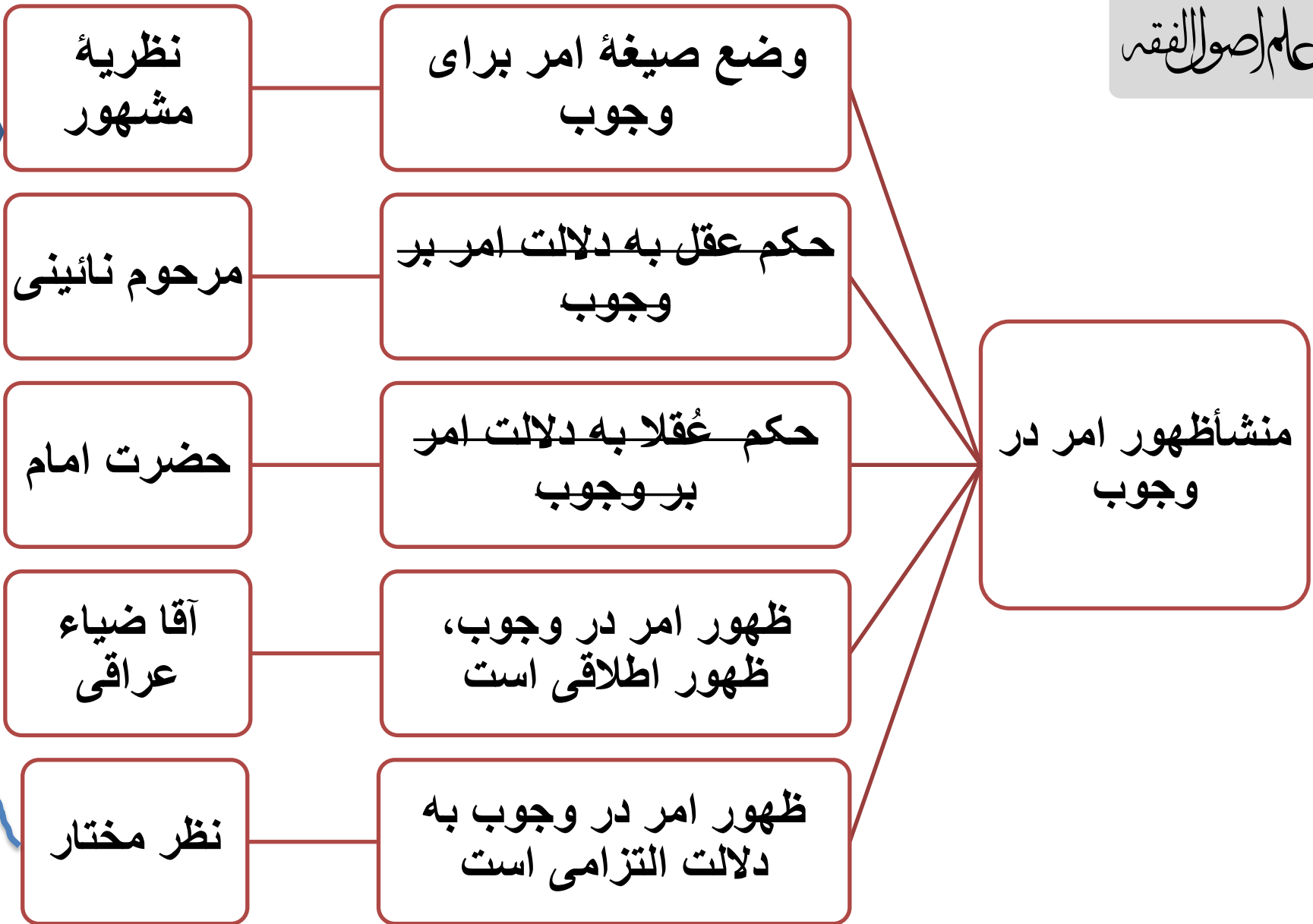
ظهور امر در وجوب

- اگر تقریر شهید صدر - رضوان الله علیه - را با دقت بررسی کنیم، در خواهیم یافت که ایشان در استدلال درست پیش می‌رفته است ولی نتیجه‌ای که در نهایت گرفتند اشتباه است.
- اینکه فرمودند امر برای نسبت ارسالیه وضع شده است، درست است.
- این نکته هم درست است که ارسال و فرستادن، سد تمام ابواب عدم را اقتضا می‌کند و در حقیقت این سد ابواب مدلول التزامی امر است نه مدلول مطابقی امر. بنابراین هیأت امر برای سد تمام ابواب عدم وضع نشده است.

ظهور امر در وجوب

- همچنان که طلب مدلول التزامی امر است. بنابراین امر برای وجوب وضع نشده است؛ هر چند که دلالت امر بر وجوب به اطلاق، به حکم عقل یا به حکم عقلا هم نیست.
- صحیح آن است که بگوییم امر به کمک وضع بر وجوب دلالت می‌کند نه اینکه برای وجوب وضع شده باشد؛ یعنی به دلالت التزامی نه مطابقی. ظاهر تعبیر مشهور این است که وجوب موضوع له (مدلول مطابقی) است. اما اگر آنچه ما گفتیم مقصودشان باشد، این بیان، تفسیری برای نظریه مشهور می‌شود و در غیر این صورت نظریه پنجم در بحث خواهد بود.





وضع

لزوم

اطلاق

منشأ ظهور

نظریه
مشهور

وضع صیغه امر برای
وجوب

آقا ضیاء
عراقی

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاق است

منشأ ظهور امر
در وجوب

تصوير
اطلاق

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاقى است

منشأ ظهور
امر در وجوب

منشأ ظهور
امر در وجوب

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاق است

تصوير
اطلاق

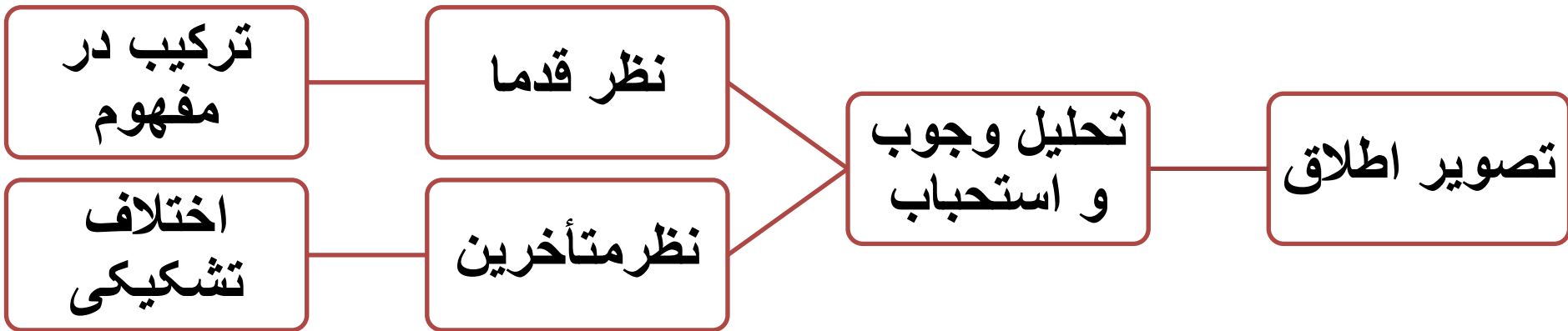
تحليل وجوب و
استحباب

منشأ ظهور
امر در وجوب

ظهور امر در وجوب،
ظهور اطلاق است

تصوير
اطلاق

تحليل وجوب و
استحباب



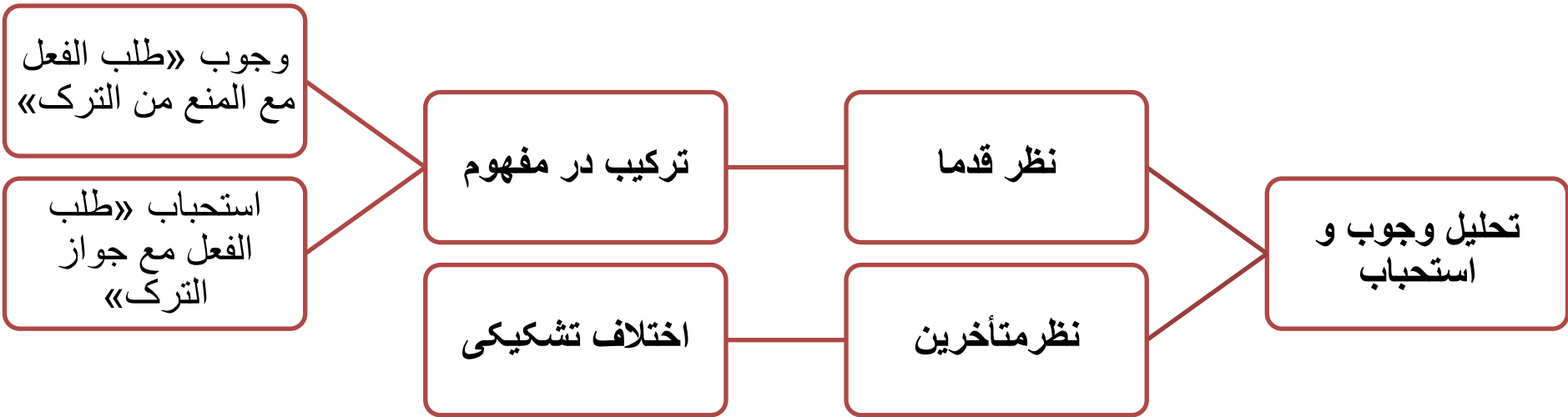
ترکیب در
مفهوم

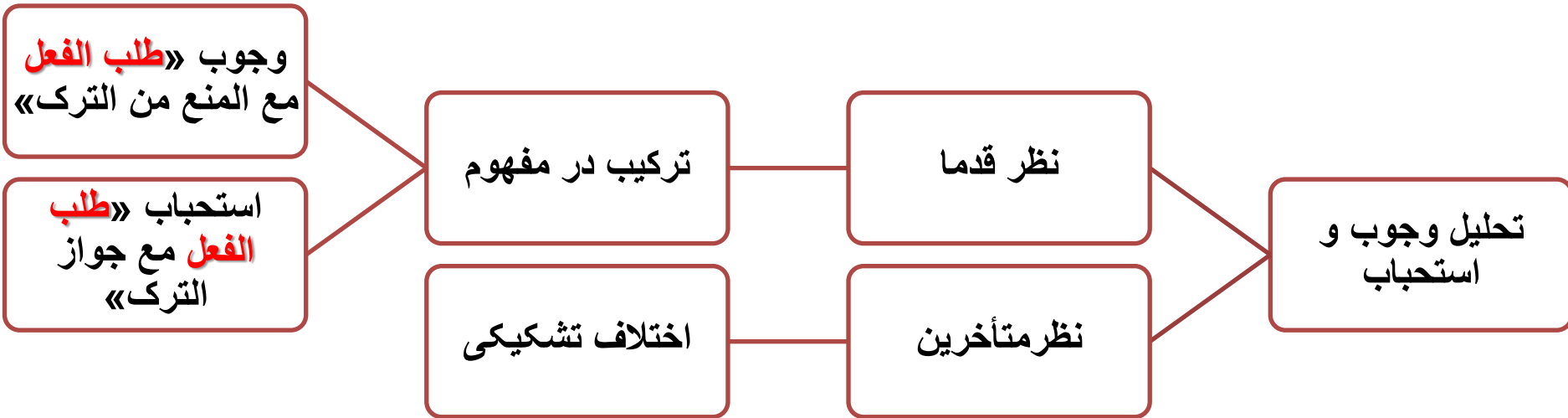
نظر قدما

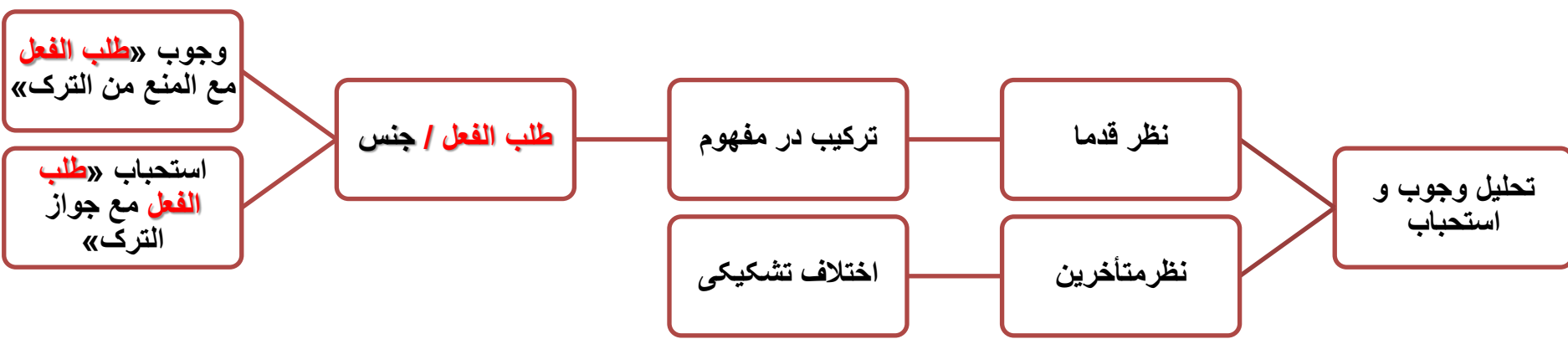
اختلاف
تشکیکی

نظر متأخرین

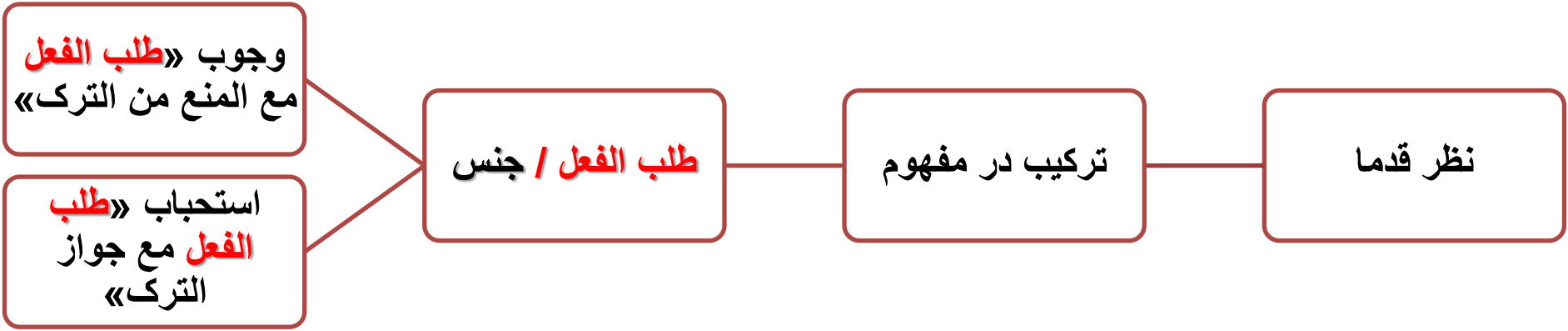
تحلیل وجوب
و استحباب







تحليل وجوب و استحباب



تحليل وجوب و استحباب

نظر قدما

نظر متأخرين

ترکیب در مفهوم

اختلاف تشکیکی

طلب الفعل / جنس

وجوب «طلب الفعل»
مع المنع من الترك»

استحباب «طلب
الفعل مع جواز
الترك»

تحليل وجوب و استحباب

نظر قدما

نظر متأخرين

تركيب در مفهوم

اختلاف تشكيكي

طلب الفعل / جنس

وجوب «طلب الفعل»
مع المنع من الترك»

استحباب «طلب
الفعل» مع جواز
الترك»

موضوع له هيات
امر

تحليل وجوب و استحباب

وجوب «طلب الفعل» مع المنع من الترك»

استحباب «طلب الفعل» مع جواز الترك»

طلب الفعل / جنس

تركيب در مفهوم

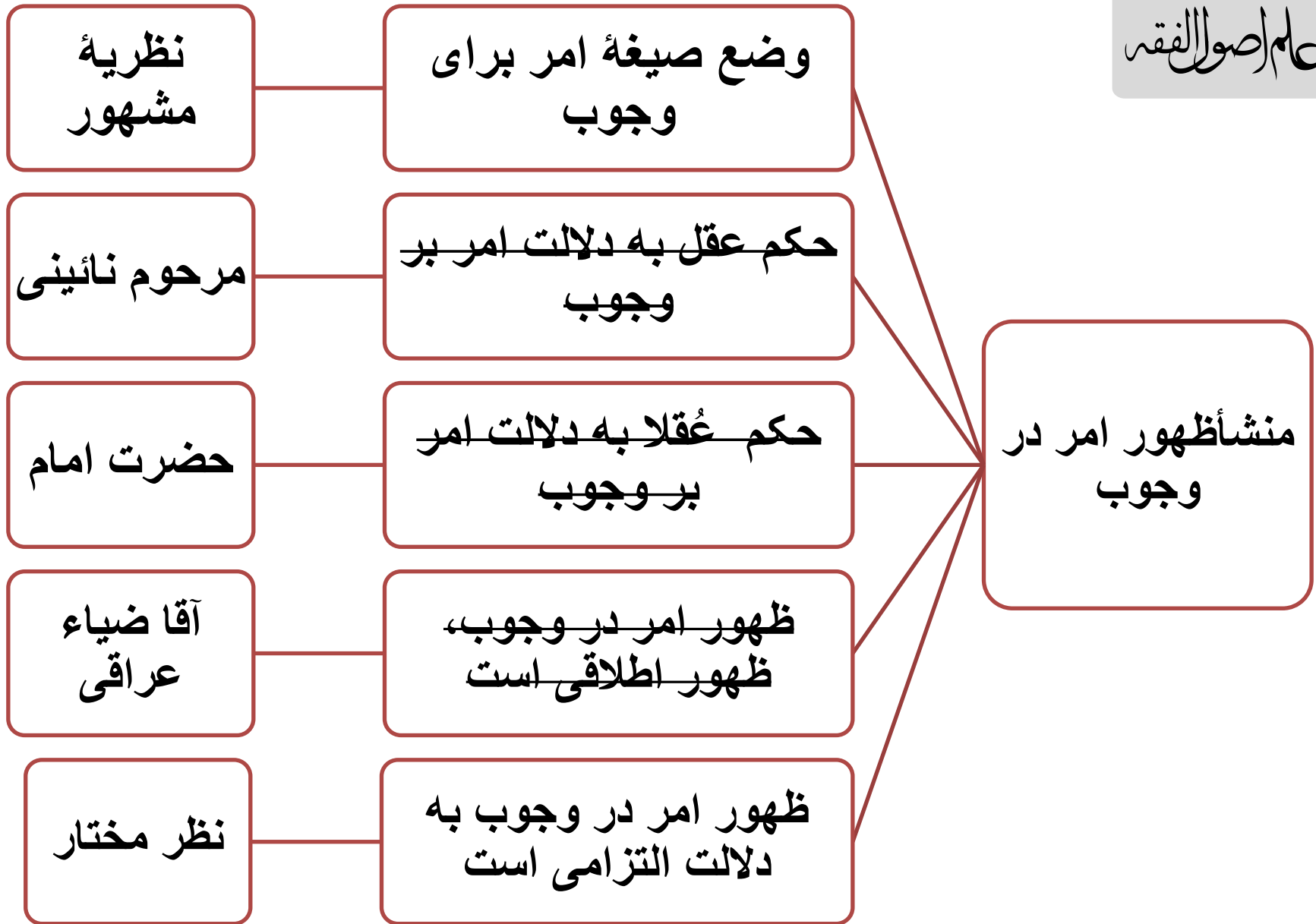
نظر قدما

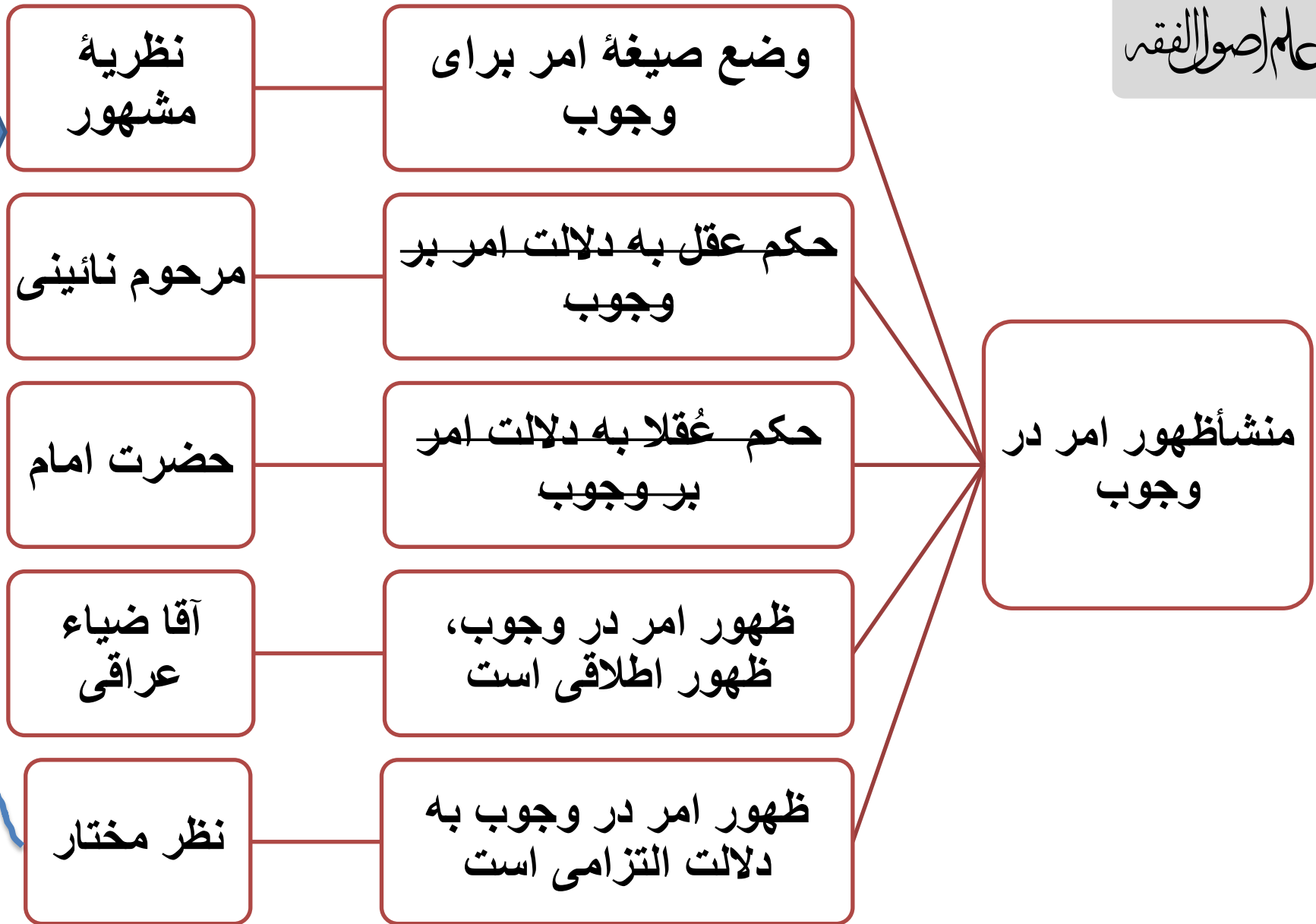
وجوب طلب شديد

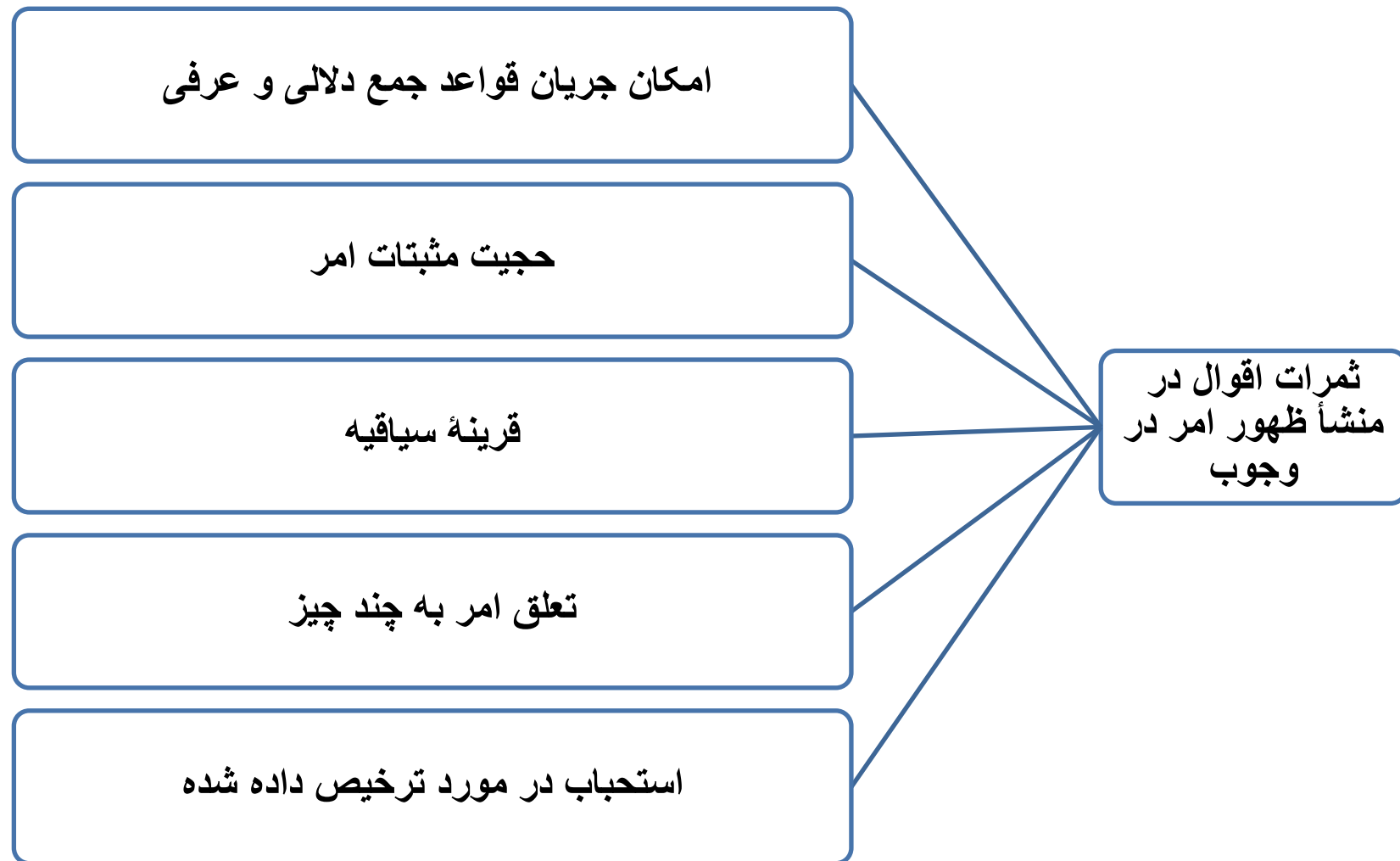
اختلاف تشكيكي

نظر متأخرين

استحباب طلب ضعيف







ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

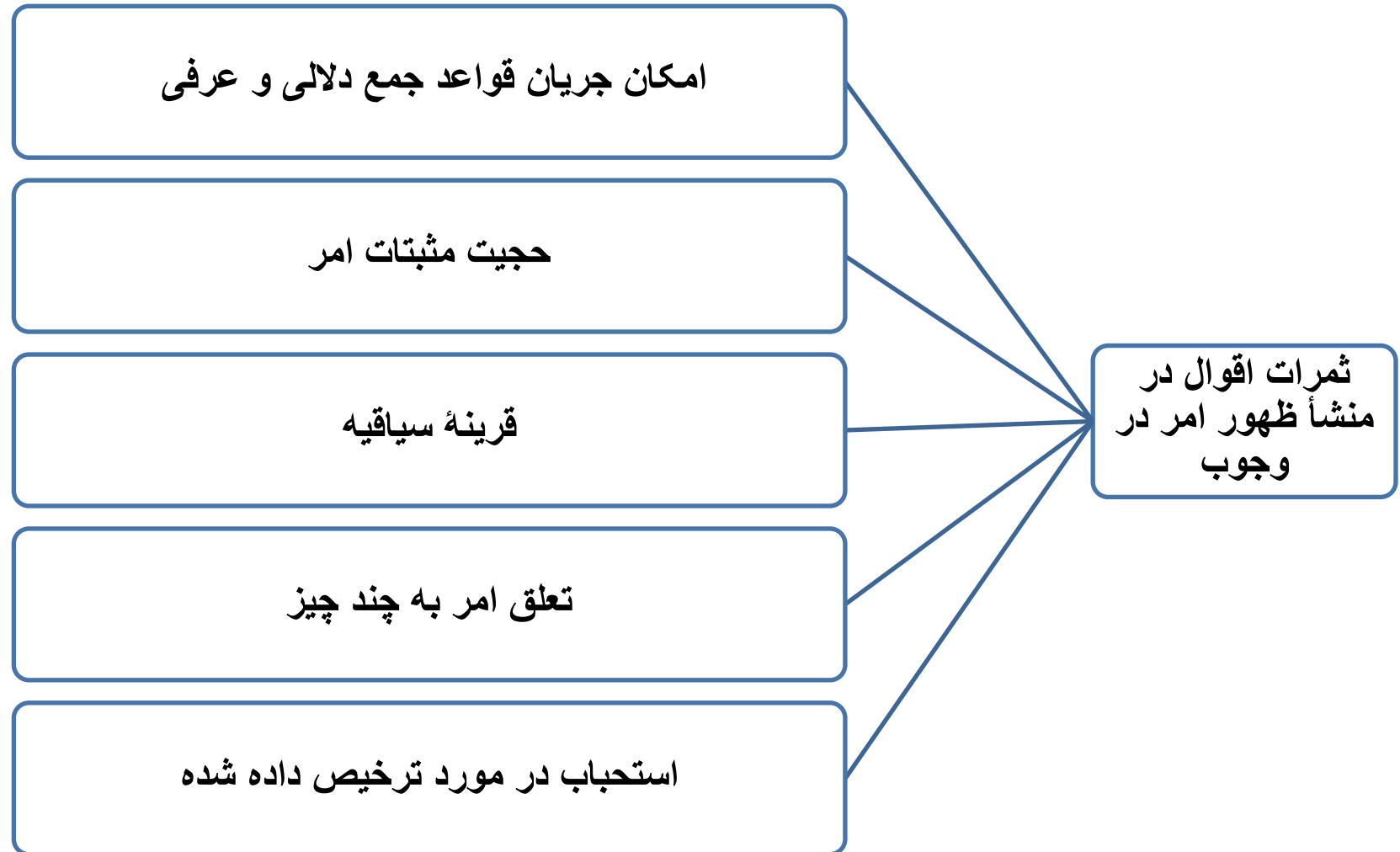
- ۱. امکان جریان قواعد جمع دلالی و عرفی
- بنا بر مسلک اول و چهارم و پنجم قواعد جمع دلالی و عرفی در بحث امر حاکم خواهد بود.
- مسلک اول یعنی نظریه مشهور می گوید امر برای وجوب وضع شده است.
- نظریه چهارم همان نظریه شهید صدر - رضوان الله علیه - و مرحوم آقا ضیاء عراقی است که می گوید امر به اطلاق بر وجوب دلالت می کند.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- نظریة پنجم مختار ما بود که گفتیم امر بر وجوب دلالت می کند نه به اطلاق، بلکه به کمک وضع (دلالت التزامی).
- این سه نظر در این جهت با هم مشترک اند که به هر حال دلالت بر وجوب جزء دلالت های لفظی می شود.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- اما نظریه دوم و نظریه سوم به ترتیب، وجوب را حکم عقل و حکم عقلا معرفی می‌کنند. بنابراین از دایره مدالیل لفظی خارج است.
- بنابراین قواعد جمع دلالی و قواعد جمع عرفی که در وادی مدالیل لفظی مطرح هستند در آن سه نظریه بخلاف نظریه اول دوم و سوم جاری‌اند. در این دو نظریه معیارهای احکام عقلی یا احکام عقلائی جاری می‌گردد.



ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

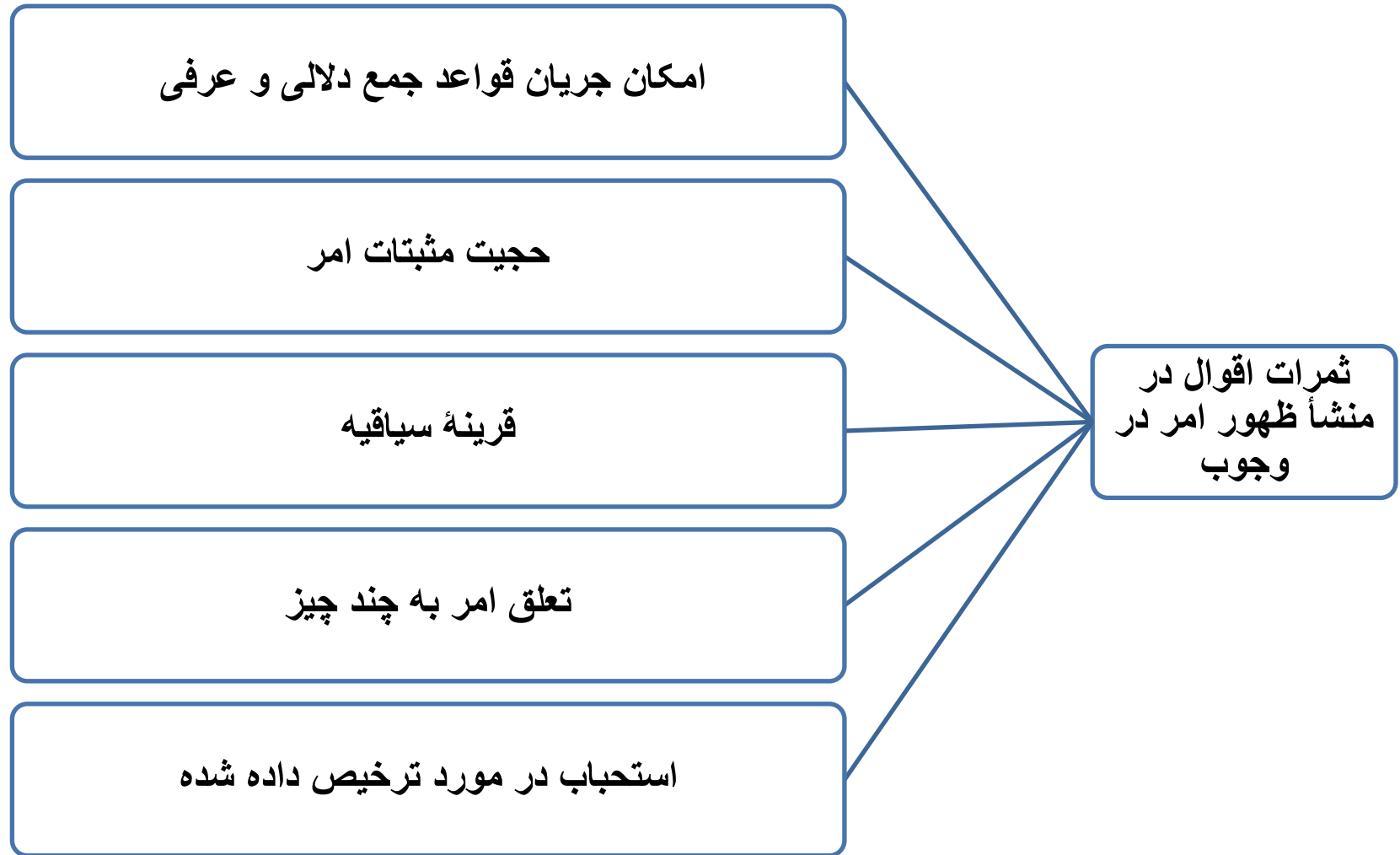
- ۲. حجیت مثبتات امر
- بنا بر نظریه اول، چهارم و پنجم، لوازم وجوب ثابت می شود؛ یعنی اگر خود وجوب یک لازمی داشته باشد، امر علاوه بر وجوب، آن لازم را هم ثابت می کند.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- شهید صدر - رضوان الله علیه - می گوید فرض کنید ما از خارج می دانیم که دعا در اول ماه هنگام رؤیت هلال با دعا در آخر ماه به لحاظ محبوبیت و ملاک مساوی هستند؛ یعنی اگر یکی از این دو واجب است، آن دیگری هم واجب خواهد بود و اگر یکی از آن دو مستحب است، آن دیگری هم مستحب خواهد بود. حال با یک دلیلی ثابت کنیم که یکی از این دو واجب است؛ مثلاً شارع بگوید: «أدع عند رؤية الهلال يوم الأول من الشهر». بنا بر هر سه نظر می گوئیم امر «أدع» بر وجوب دلالت می کند. در اینجا با توجه به تساوی محبوبیت دعا در اول ماه با محبوبیت دعا در پایان ماه، لازمه آن وجوب یعنی وجوب دعای پایان ماه هم ثابت می شود.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- اما اگر وجوب حکم عقل یا حکم عقلا باشد، برای صدور حکم عقلی یا عقلائی باید احراز کرد موضوع حکم عقل و حکم عقلا تحقق پیدا کرده است در حالی که فرض این است که موضوع حکم عقل یا عقلا یعنی امر بدون ترخیص در ترک، در مورد دعا در پایان ماه محرز نیست؛ زیرا برای پایان ماه امری نداریم.
- در واقع طبق آن سه نظریه، این لازم، مثبت اماره محسوب می شود و مثبتات امارات حجت خواهند بود.



ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- ۳. قرینه سیاقیه
- آیا قرینه سیاقیه تأثیری در ظهور امر در وجوب دارد یا خیر؟ مقصود از قرینه سیاقیه این است که چند امر در سیاق واحد وارد شوند. مثل اینکه مولا بفرماید: «إِغْتَسِلْ لِلْجُمُعَةِ وَ صَلِّ صَلَاةَ الْجُمُعَةِ وَ صُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ: روز جمعه غسل کنید و نماز جمعه بخوانید و ماه مبارک رمضان روزه بگیرید». در اینجا اگر می‌دانیم بعضی از این اوامر امر وجوبی نیستند؛ مثلاً می‌دانیم امر در مورد غسل جمعه وجوبی نیست، آیا این دانسته ما باعث می‌شود که ظهور بقیة آن اوامر در وجوب با تردید مواجه شود؟

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- شهید صدر - رضوان الله عليه - می فرمایند اگر طبق مبنای مشهور صیغه امر برای وجوب وضع شده باشد (تمام موضوع له یا جزء آن)، در این صورت چون مولا در یک مورد موضوع له را اراده نکرده است، ظهور سایر موارد در وجوب را نمی توان پذیرفت.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- این بحث مبتنی است بر اینکه اصلاً قرینه سیاقیه را به عنوان قرینه قبول داشته باشیم و وحدت سیاق را قرینه بدانیم. مشهور فقها گفته‌اند که وقتی اوامر متعددی در سیاق واحد قرار بگیرند و مقصود از یکی از آن‌ها وجوب نباشد ظهور سایر اوامر در وجوب هم گرفتار اختلال می‌شود.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- اگر مبنای مرحوم نائینی یا مبنای مرحوم آقا ضیاء حضرت امام را داشته باشیم، این اشکال پیش نمی آید؛ زیرا در برطبق این دو مبنا وجوب اصلاً مدلول لفظ نیست، بلکه حکم عقل است که موضوع آن عبارت است از امر به همراه عدم ترخیص در ترک.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- ما سه امر در این عبارت داریم در مورد امر اول می دانیم ترخیص در ترک داریم اما در مورد امر دوم و سوم ترخیص در ترک معلوم نیست. بنابراین در اولی عقل به وجوب حکم نمی کند ولی در دومی و سومی چون موضوع حکمش تأمین است، به وجوب حکم می کند.
- همین بیان در نظریه حضرت امام - رضوان الله علیه - هم قابل تکرار است بدین صورت که موضوع حکم عقلا عبارت است از امر و عدم ترخیص در ترک. در فقرة اول ترخیص در ترک آمده است اما در دو فقرة دوم و سوم ترخیص نیامده است و چون موضوع حکم عقلا تأمین است، عقلا به وجوب حکم خواهند کرد.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

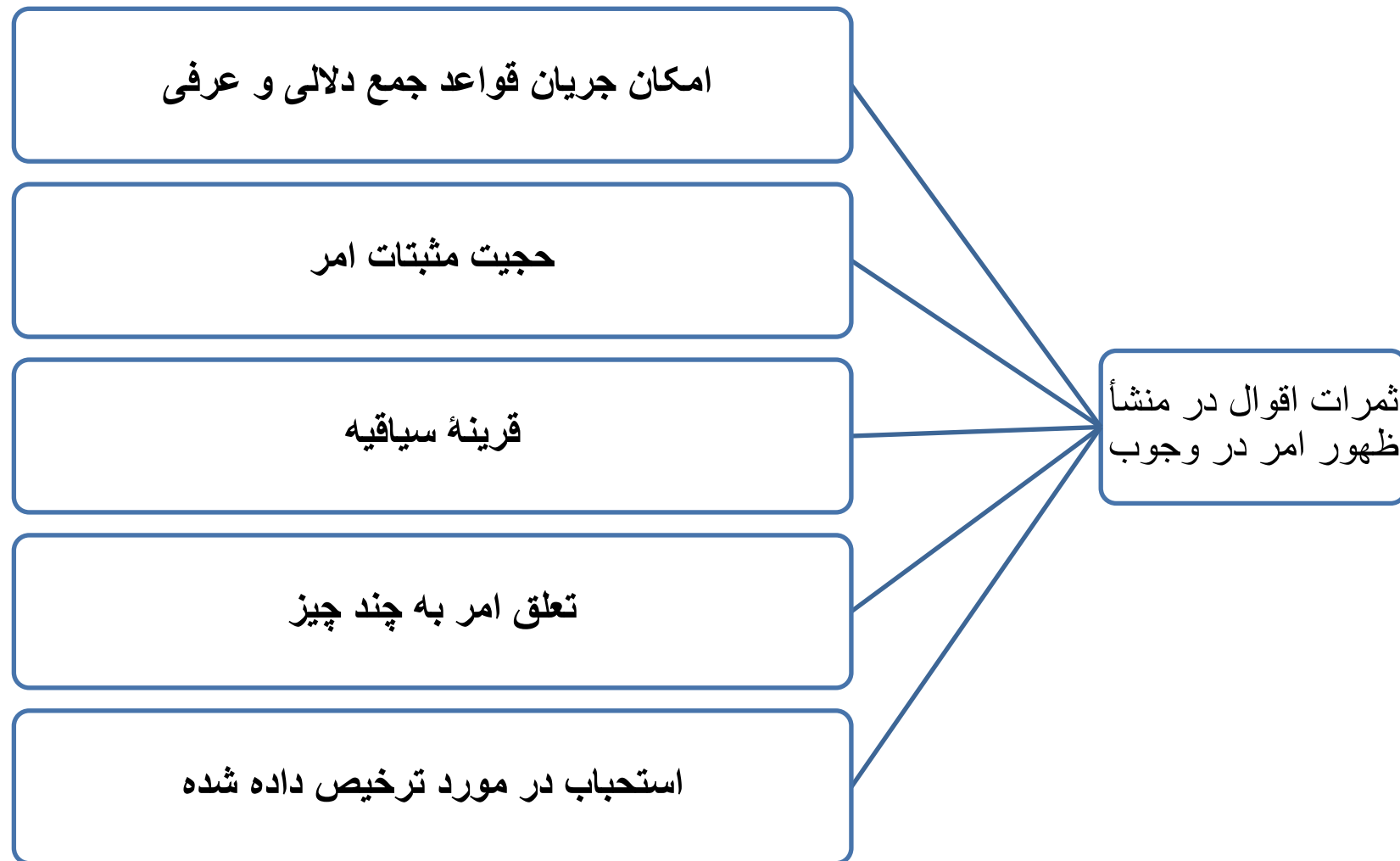
- بنابر نظریة چهارم که مختار شهید صدر - رضوان الله علیه - بود، وضعیت به همین شکل است؛ زیرا امر در هیچ از یک از این سه امر در وجوب استعمال نشده است. حداکثر اطلاق این اوامر باعث می‌شد حمل بر وجوبی شوند. حال که می‌دانیم در فقره اول وجوب مراد نیست، در واقع قرینه‌ای داریم که ناقض اطلاق امر اول است اما اطلاق در امر دیگر همچنان به حال خود باقی است.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- عین این بیانی که ایشان در مورد اطلاق فرمودند، در مورد نظریه مختار ما قابل تطبیق است؛ چون بنا بر آن نظریه هم وجوب هیچ وقت مستعمل فیه هیأت امر نیست، بلکه مدلول التزامی صیغه امر است. این مدلول التزامی در جایی که قرینه داریم متکلم آن را اراده نکرده است، از دایره مراد جدی خارج خواهد شد و اگر قرینه‌ای نبود، حکم می‌کنیم که در محدوده مراد جدی متکلم است. در اینجا نیز قرینه داریم که در امر اول، مدلول التزامی (وجوب) مراد نیست اما در امر دوم و سوم چنین قرینه‌ای نداریم و همچنان دلالتشان بر مدلول التزامی و حکم به اینکه این مدلول التزامی در محدوده مراد جدی است، به حال خود باقی است.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- این ثمره را شهید صدر - رضوان الله عليه - با فرض پذیرش قرینه سیاقیه مطرح کرده است و در واقع مماشات با مشهور است؛ زیرا مشهور گفتند قرینه سیاقیه داریم و وقتی یکی از این اوامر استحبابی است، بقیه را نمی توانیم حمل بر وجوب کنیم در حالی که هر دو مطلب مردود است. ما قرینه سیاقیه را نمی پذیریم؛ یعنی صرف اینکه چند امر در کنار هم قرار بگیرند، هیچ قرینیتی ندارد که مراد از همه آنها یا مستعمل فیه آنها یکی است. با فرض اینکه قرینه سیاقیه داریم، بیان ایشان قبول نیست؛ زیرا اینکه می دانیم امر اول در موضوع له (وجوب) استعمال نشده است، باعث نمی شود که در امر دوم و سوم أصالة الحقیقه جاری نشود. بنابراین حتی طبق مبنای مشهور هم این بحث تمام نیست و از این جهت با سایر مبانی در نتیجه فرقی ندارد. مباحث الأصول (الحائری) القسم ۱، ج ۲، ص ۵۴ - ۵۵.



ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- و منها - انه لو ورد أمر بطبيعي فعل كما إذا ورد أكرم العالم و علمنا من الخارج بان إكرام غير الفقيه لا يجب فهل يمكن إثبات استحباب إكرام **غير** الفقيه من العلماء أم لا؟

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- فعلى مسلك الوضع لا يمكن ذلك إذ بعد حمله على الوجوب بمقتضى الوضع له لا بد من تخصيص غير الفقيه و إخراجهم من الدليل و لا يوجد أمر آخر فيه لکی يحمل على الاستحباب و هذا بخلافه على مسلك حكم العقل بالوجوب لأن الأمر مستعمل فى الطلب على كل حال غاية الأمر ثبت ترخيص فى حصة و لم يثبت فى أخرى فيثبت الاستحباب لا محالة فى الأولى و الوجوب فى الثانية. و كذلك الحال على مسلك الإطلاق إذ لا وجه لرفع اليد عن أصل الطلب فى غير الفقهاء [١].

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- ۴. تعلق امر به چند چیز
- گاهی یک امر به چند چیز تعلق می‌گیرد؛ مثل اینکه مولا می‌گوید: «إغتسل للجمعة و الجنابة». می‌دانیم که غسل جمعه واجب نیست. با وجود این، آیا ظهور اغتسل در وجوب برای جنابت هم از بین می‌رود؟ در اینجا بحث قرینه سیاقیه نیست. اینجا یک امر مطرح است در حالی که در قرینه سیاقیه چند امر جداگانه مطرح بود و فقط سیاق آن‌ها واحد بود.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- بنا بر نظر مشهور، از آنجا که امر در مورد غسل جمعه استعمال در وجوب نشده است، اگر بپذیریم در مورد جنابة در وجوب استعمال شده است، معنایش این است که یک لفظ در یک استعمال واحد هم در معنای حقیقی و هم در معنای مجازی استعمال شده باشد در حالی که چنین چیزی لا اقل عرفاً باطل است.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- بنابراین برای دفع این استحالة عقلی یا عرفی باید إغتسل را بر یک معنایی حمل کرد که هم با وجوب سازگار باشد هم با استحباب؛ یعنی مستعمل فیه را معنای جامع بین وجوب و استحباب دانست که آن معنا هم خودش یک معنای مجازی برای صیغة امر خواهد بود. بنابراین نمی‌توانیم در ناحیه جنابت هم به استناد این دلیل حکم به وجوب کنیم.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- به عبارت دیگر خود این دلیل به تنهایی بر وجوب دلالت نمی‌کند؛ هر چند منافاتی با وجوب غسل جنابت ندارد. پس اگر دلیل دیگری بگوید غسل جنابت واجب است با این دلیل تعارض ندارد.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- همچنین باید توجه داشت که از نظر لفظی، دو امر در اینجا وجود ندارد و تقدیر گرفتن یک امر دیگر هم ضرورت ندارد؛ زیرا یک امر می تواند چند متعلق داشته باشد و متعلقات با واو به هم عطف شوند. حتی اگر به فرض تقدیری در کار بود، معنایش تکرر امر و بعث نبود تا بگوییم از یکی وجوب اراده شده است و دیگری استحباب. اساساً بحث استظهار در حوزه فهم عرفی است و از نظر عرف در اینجا یک امر بیشتر وجود ندارد.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- در آیه «یا ائیها الذین آمنوا اطیعوا اللهَ و اطیعوا الرسولَ و اولى الامر منکم» «اطیعوا» تکرار شده و «الرسول» بر «الله» عطف نشده است در حالی که «اولی الامر» بر الرسول عطف شده و اطیعوا در آن تکرار نشده است.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- گفته‌اند این نحو بیان بدان سبب است که وجوب اطاعت خدا با وجوب اطاعت رسول و اولی الامر متفاوت است و از دو سنخ‌اند. **أطیعوا** در مورد الله ارشادی است اما در مورد الرسول و اولی الامر مولوی است. ما در آن بحث می‌گوییم این طرف مقبول است که تکرر **أطیعوا** نشان دهنده تفاوت معنا بین **أطیعوا الله** و **أطیعوا الرسول** است اما آن طرف که اگر **أطیعوا** تکرار نمی‌شد، نمی‌توانست هم در ارشاد باشد و هم در مولویت، تأمل دارد.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- آقای صدر - رضوان الله عليه - می فرمایند اگر به مبنای مرحوم نائینی یا مبنای ~~مرحوم نائینی~~ حضرت امام قائل باشیم، دیگر این اشکال مطرح نخواهد شد؛ زیرا امر به جمعه قرینه بر ترخیص دارد و امر به جنابت قرینه بر ترخیص ندارد. در مورد اولی عقل به وجوب حکم نمی کند ولی در مورد دومی همچنان عقل به وجوب حکم می کند. اینجا اصلاً امر در چند معنا استعمال نمی شود تا اشکال استعمال در اکثر از یک معنا پیش آید؛ چون بنا بر مبنای ایشان امر فقط در طلب استعمال می شود نه در وجوب و استحباب.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- طبق مبنای مرحوم آقا ضیاء هم همین امر در وجوب استعمال نمی‌شود، بلکه در طلب یا نسبت بعثیه به کار می‌رود. حداکثر اگر قرینه‌ای نبود، اطلاق صیغه امر وجوب را اقتضا می‌کند و اگر قرینه‌ای بود مثل امر به جمعه، در همان مورد اطلاق شکسته می‌شود و این اقتضا وجود ندارد.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- ممکن است کسی بگوید دلالت وضعی قوی تر از دلالت اطلاقی است. چطور ممکن است یک قرینه دلالت وضعی را مخدوش کند اما دلالت اطلاقی را نتواند از بین ببرد؟ پاسخ آن است که این اقوائت مطلب به حقی است ولی در اینجا نکته مخدوش شدن دلالت به یک محذور دیگری برمی گردد.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- بنا بر وضع إغتسل برای وجوب، اگر قرار باشد در مورد جمعه در استحباب استعمال شده باشد و همزمان در مورد جنابت در وجوب به کار رفته باشد، استعمال لفظ در بیش از یک معنی پیش می آید که لا اقل عرفاً مستهجن است؛ اگر نگوییم عقلاً هم ممکن نیست.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- اما بنا بر نظریه اطلاق اصلاً امر نه در مورد جنابت و نه در مورد جمعه در وجوب استعمال نشده است، بلکه در طلب یا نسبت بعثیه استعمال شده است و قرینه مراد جدی در مورد جمعه را نشان داده است و این باعث نمی‌شود که اطلاق در مورد جنابت هم شکسته شود. وقتی در موارد اطلاق قرینه‌ای می‌آید و تقیید می‌کند، اطلاق مطلق نسبت به سایر قیود همچنان به حال خود باقی می‌ماند. مطلق بعد از تقیید مجمل نمی‌شود؛ مثلاً اگر گفت: «أعتق رقبة» بعد مقید کرد: «لا تعتق رقبة کافرة»، مطلق به لحاظ ایمان و کفر مقید است اما اگر شک می‌کنیم به لحاظ با سواد و بی سواد بودن هم مقید شده است یا نه اطلاق رقبة به حال خودش باقی می‌ماند.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

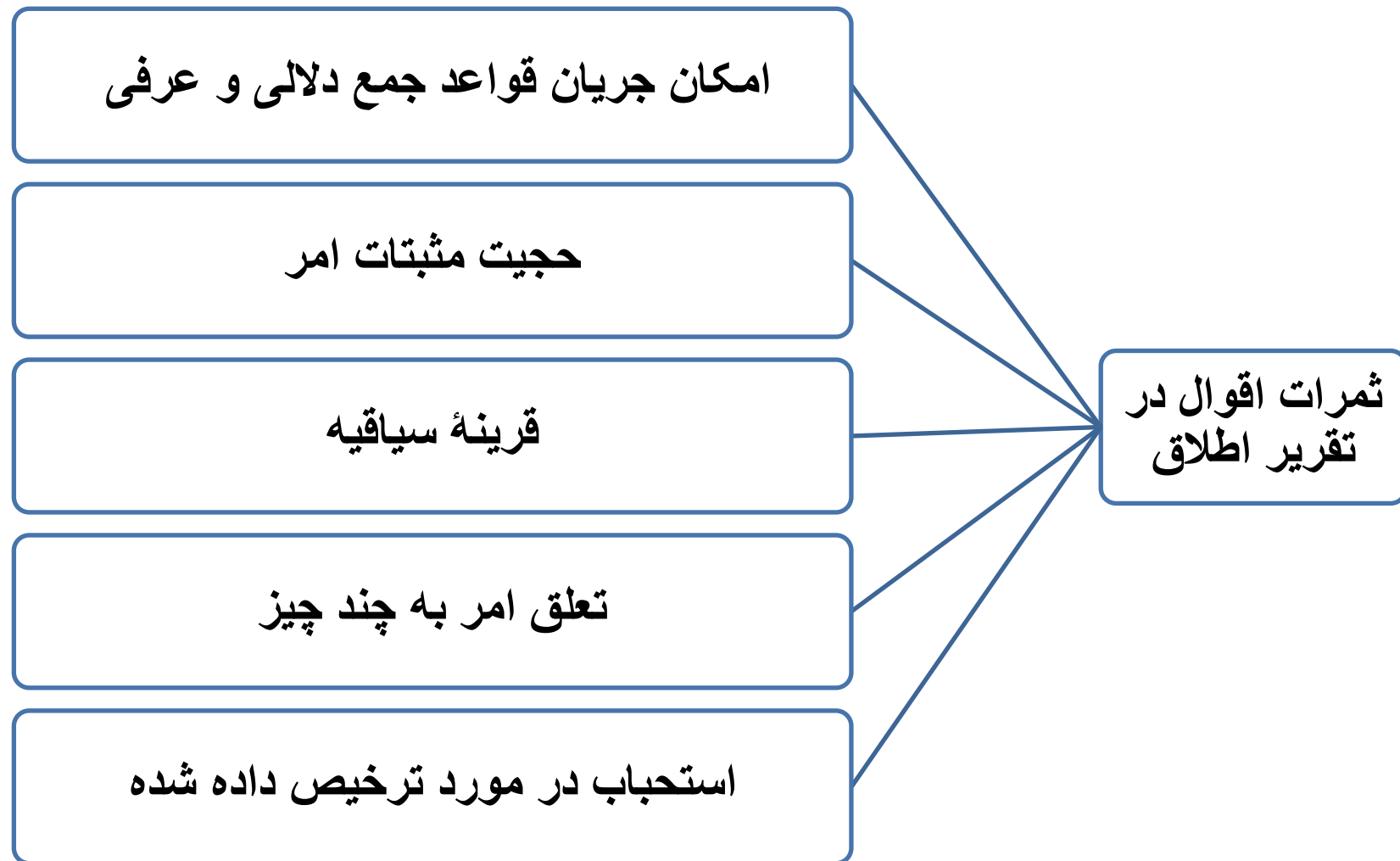
- عین این بیانی که ایشان در مورد اطلاق فرموده‌اند، در نظریه مختار هم جاری است؛ چون بنا بر آن نظریه هم وجوب مستعمل فیہ لفظ نیست، بلکه مدلول التزامی آن است. قرینه می‌گوید در جمعه آن مدلول التزامی مراد جدی نیست ولی در جنابت چون قرینه‌ای وجود ندارد، أصالة التطابق اقتضا می‌کند که مراد جدی همان وجوب باشد.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- بعضی مثل مرحوم آخوند گفته‌اند عقلاً باطل است. (کفایة الأصول، ص ۳۶). مثل مرحوم سید صاحب عروه عقلاً ممکن است و شهید صدر معتقد است عرفاً باطل است؛ هرچند عقلاً اشکالی نداشته باشد. ما در بحث خودش توضیح داده‌ایم که اگر این مسأله درست تقریر شود، سخن مرحوم آخوند درست است؛ یعنی استعمال لفظ در بیش از یک معنی عقلاً باطل است.
- بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۲۵.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- . النساء: ٥٩
- . بحوث في علم الأصول، ج ٢، ص ٢٥.



ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- و منها - انه لو ورد أمر بطبيعي فعل كما إذا ورد أكرم العالم و علمنا من الخارج بان إكرام غير الفقيه لا يجب فهل يمكن إثبات استحباب إكرام **غير** الفقيه من العلماء أم لا؟

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- فعلى مسلك الوضع لا يمكن ذلك إذ بعد حمله على الوجوب بمقتضى الوضع له لا بد من تخصيص غير الفقيه و إخراجهم من الدليل و لا يوجد أمر آخر فيه لكى يحمل على الاستحباب
- و هذا بخلافه على مسلك حكم العقل بالوجوب لأن الأمر مستعمل فى الطلب على كل حال غاية الأمر ثبت ترخيص فى حصة و لم يثبت فى أخرى فيثبت الاستحباب لا محالة فى الأولى و الوجوب فى الثانية. و كذلك الحال على مسلك الإطلاق إذ لا وجه لرفع اليد عن أصل الطلب فى غير الفقهاء [١].

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

• ۵. استحباب در مورد ترخیص داده شده

• اگر امری به طبیعی یک فعل تعلق بگیرد و ما بدانیم که امر درباره برخی از مصادیق آن طبیعی واجب نیست، آیا می‌توانیم بگوییم امر در آن موارد مستحب است؛ مثلاً مولا بگوید: «أكرم العالم» و ما بدانیم که اکرام عالمان غیر فقیه واجب نیست. آیا می‌توانیم از این عبارت استفاده کنیم که اکرام عالمان غیر فقیه مستحب است؟

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- شهید صدر - رضوان الله عليه - می فرمایند اگر به نظریه وضع قائل باشیم، وقتی از دلیل دیگری می دانیم که اکرام عالمان غیر فقیه واجب نیست، آن‌ها به تخصیص یا به تقیید از تحت این عبارت خارج خواهند شد.
- در نتیجه نسبت به عالمان غیر فقیه، امری نداریم تا بتوانیم بگوییم از آن می فهمیم اکرام عالمان غیر فقیه مستحب است.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- اما بنا بر نظریه مرحوم نائینی یا بنا بر نظریه اطلاق می‌توانیم از عبارت پیش گفته استحباب را استفاده کنیم؛ زیرا اصلاً این عبارت دلالتی بر وجوب ندارد، بلکه این امر اگر به ترخیصی ضمیمه نشود، عقل به وجوب اکرام همه علما حکم خواهد کرد. حال که این امر در خصوص غیر فقیه به ترخیص ضمیمه شده است، موضوع حکم عقل تأمین نیست. در نتیجه به وجوب حکم نمی‌کند، بلکه به دلیل وجود امر و وجود ترخیص در ترک به استحباب حکم می‌کند.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- در واقع ایشان مبنای مرحوم نائینی را به گونه‌ای تقریر می‌کند که همواره عقل در موارد امر یک حکمی دارد. این حکم یا وجوب است در جایی که ترخیص در ترک نباشد یا استحباب است در جایی که ترخیص باشد. هیچ اشکالی هم ندارد؛ چون بنا بر مبنای مرحوم نائینی اصلاً وجوب **و** استحباب جزو مدالیل لفظ نیستند.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- بنا بر نظریة اطلاق هم همین طور است؛ یعنی «أکرم العالم» برای وجوب اکرام عالم وضع نشده است، بلکه بر نسبت بعثیه یا یا بر مطلق طلب دلالت می‌کند. حال در جایی که این طلب مقرون به ترخیص نباشد، از اطلاق امر وجوب استفاده می‌شود. فرض این است می‌دانیم اطلاق این امر در مورد غیر فقیه شکسته شده است و این ترخیص در کنار امر بر استحباب دلالت خواهد کرد.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- جناب آقای هاشمی - حفظه الله - در پاورقی تقریرات بر این بیان شهید صدر - رضوان الله علیه - در فرض نظریة اطلاق اشکال می کنند که دلالت امر بر استحباب در غیر فقها قابل قبول نیست؛ زیرا اینجا یک امر داریم و مراد جدی از این یک امر نمی تواند چند چیز باشد. نمی تواند مولا هم طلب وجوبی را اراده کرده باشد و هم طلب استحبابی.
- بنابراین یا باید بگوییم مراد جدی وجوب است یا استحباب، یا جامع بین وجوب و استحباب.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

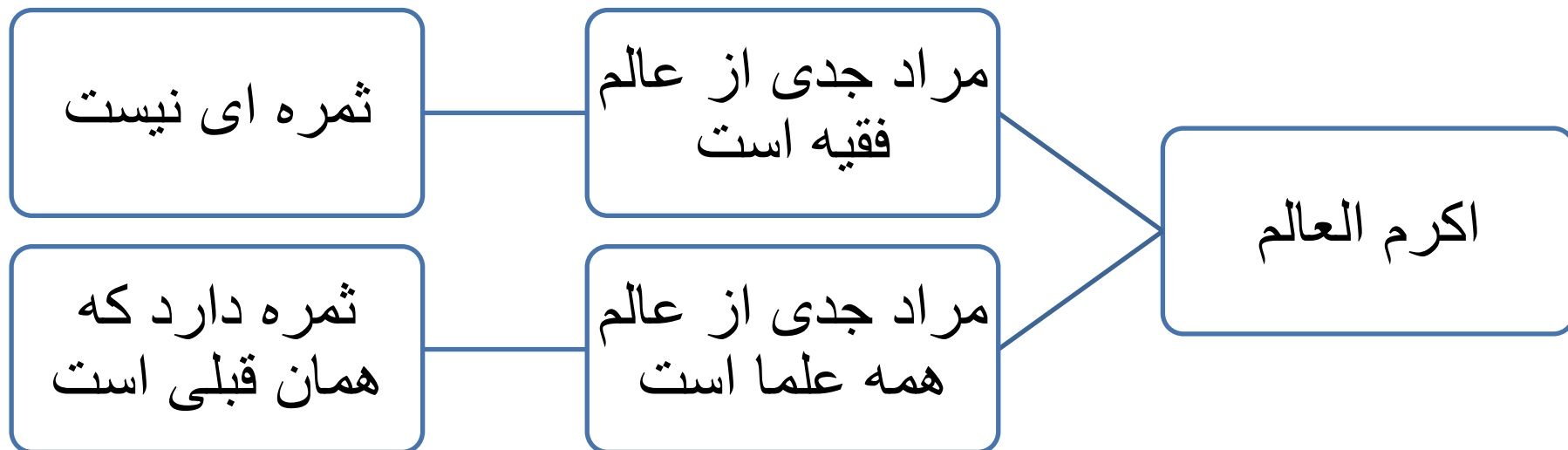
- جواب اشکال این است که امر «أكرم العالم» به تعدد تحقق متعلق امر، به اوامر متعدد منحل می‌شود؛ یعنی اگر یک عالمی پیدا شد، این عبارت او را شامل می‌شود و اگر عالم دیگری هم پیدا شد، این عبارت او را هم در بر می‌گیرد و همین طور. بنابراین معنی دارد که مراد جدی از این عبارت در ناحیه بعضی از عالمان مثلاً فقها وجوب باشد و در ناحیه بعضی دیگر یعنی غیر فقها استحباب باشد.
- البته این جواب در در مواردی درست است که امر انحلالی باشد؛ یعنی یک امر به منزله چند امر باشد. در واقع به تحقق هر یک از مصادیق متعلق امر، یک امر وجود داشته باشد.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- بیانی که شهید صدر - رضوان الله علیه - درباره نظریه اطلاق فرمودند بنا بر نظریه مختار هم قابل تطبیق است. ما می‌گوییم «أکرم العالم» بر بعث مأمور به سوی اکرام عالم دلالت می‌کند. مدلول التزامی آن وجوب است. قرینه می‌گوید این وجوب در ناحیه عالمان غیر فقیه اراده نشده است اما در ناحیه عالمان فقیه آن مدلول التزامی (وجوب) به حال خودش باقی می‌ماند. بنابراین در عالمان غیر فقیه چون بعث وجود دارد و مدلول التزامی (وجوب) اراده نشده است، استحباب استفاده خواهد شد.

ثمرات اقوال در منشأ ظهور امر در وجوب

- دقت شود مقصود ایشان مراد استعمالی نیست، بلکه مرحله مراد جدی است.
- بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۲۵.



نتیجة بحث ظهور امر در وجوب

- وجوب مدلول موضوعاً له صیغة امر نیست؛ نه جزء موضوع له (مدلول تضمنی) است نه تمام موضوع له (مطابقی)، بلکه مدلول التزامی صیغة امر محسوب می شود.
- با این بیان کاربرد امر در موارد تعجیز یا استهزاء به معنای مجازیت امر نیست. امر در آن موارد در معنای موضوع له خودش استعمال می شود که همان بعث است و حداکثر آن است که بعث گاهی به انگیزة طلب، زمانی به انگیزة تعجیز و گاهی به انگیزة استهزاء و جز این انجام می گیرد.

نتیجه بحث ظهور امر در وجوب

- البته اگر قرینه‌ای نباشد، از آنجا که طلب، مدلول التزامی بعث است، می فهمیم که این امر به انگیزه طلب صادر شده است. سایر موارد مثل تعجیز یا استهزاء نیاز به قرینه دارند.
- در مواردی که امر برای استحباب به کار می‌رود، نیز مجازی شکل نمی‌گیرد؛ زیرا امر در همان معنای موضوع له خودش یعنی نسبت ارسالیه به کار می‌رود. البته اگر قرینه‌ای بر استحباب یا وجوب نباشد، معلوم می‌شود مدلول التزامی اش یعنی سد تمام ابواب مراد است و لازمه سد تمام ابواب واجب بودن است. اما استحباب نیاز به قرینه دارد.

نتیجه بحث ظهور امر در وجوب

- اساساً تعیین مدلول جدی با کمک قرینه به معنای مجازیت نخواهد بود. مثل این بحث در اطلاق و تقیید یا عموم و خصوص هم وجود دارد. وقتی متکلم بگوید: «أَكْرَمُ كُلِّ عَالِمٍ» معنایش این است که همه علماء را باید اکرام کرد. حال اگر با قرینه منفصل یا متصل گفت: «إِلَّا الْفُسَاقَ مِنْهُمْ» یا «لَا تُكْرَمُ الْفُسَاقُ مِنَ الْعُلَمَاءِ»، نتیجه می‌گیریم که مراد جدی متکلم از عبارت اکرم کل عالم، صرفاً اکرام عالمان عادل بوده است.

نتیجة بحث ظهور امر در وجوب

- در آن بحث هم توضیح می‌دهیم که استعمال عام در معنای مخصّص مجاز نیست؛ زیرا قرینة مخصّص تعیین کننده مراد جدی است نه مراد استعمالی و مجاز و حقیقت در مرحله مراد استعمالی مطرح می‌شوند.

نتیجہ بحث ظهور امر در وجوب

- معنای اینکه مراد از اکرم کل عالم عالمان عادل است، این نیست که عالم در این عبارت در خصوص عالمان عادل استعمال شده است تا گفته شود مجاز رخ داده است، بلکه در معنای هر عالمی به کار رفته است و حداکثر ما به کمک تخصیص می فهمیم که مراد جدی متکلم از مستعمل فیه بخش خاصی از آن عالمان است؛ یعنی خصوص عالمان عادل.

نتیجہ بحث ظهور امر در وجوب

- در حقیقت قرینہ، اصل تطابق بین مدلول تفہیمی و مدلول جدی را می شکند و می گوید این دو در اینجا مطابق هم نیستند. اما مدلول تصویری اعم مطابقی و التزامی و نیز اصول جاری در حوزة مدالیل تصدیقی تا قبل از مرحله مدلول جدی به حال خود باقی هستند.

بیان طلب به غیر از امر

- امر در قالب غیر صیغة امر
- گاهی افعال دیگر غیر از امر برای بیان طلب به کار می‌روند. در روایات داریم که معصومین - علیهم السلام - بعضی جاها به جای اینکه صیغة امر را به کار ببرند با فعل مضارع امرشان را بیان می‌کنند؛ برای مثال فردی سؤال می‌کند یک نفر نمازش را فلان طور خواند. آیا صحیح است؟ حضرت می‌فرمایند: «یعيد الصلاة: نمازش را اعاده می‌کند.» بحث کرده اند که چگونه افعال دیگر غیر از فعل امر می‌توانند بر طلب دلالت داشته باشند.

بیان طلب به غیر از امر

- در مورد سایر افعال گفتیم این‌ها برای نسبت صدوریه وضع شده‌اند و بیان می‌کنند که فعل از فاعل صادر شده است یا می‌شود. این معنا چطور می‌تواند دلالت کند بر اینکه صدور فعل از فاعل، مطلوب متکلم است.

بیان طلب به غیر از امر

- مرحوم آخوند - رضوان الله علیه - نظری را مطرح کردند که تقریباً مورد توافق اصولی‌های متأخر است. می‌فرماید در این گونه موارد فعل در موضوع له خود استعمال شده است و هیچ گونه مجازی در مرحله استعمال وجود ندارد.

بیان طلب به غیر از امر

- یعنی وقتی حضرت می فرماید یعید الصلاة، به لحاظ مدلول استعمالی حضرت صدور فعل اعاده از این شخص را اراده کردند. گویا از چنین صدوری خبر می دهد.
- فرق این عبارت با سایر عبارات خبری در مرحله مراد جدی است. برای بیان این فرق چهار وجه مطرح شده است و حضرت امام - رضوان الله علیه - یک وجه پنجمی مطرح کردند. یکی از این وجوه کافی است برای اینکه یعید الصلاة بتواند در مقام مراد جدی، مَفْهُم معنای طلب باشد.

